

سال سیزدهم
شماره ۳۴۹۹
سمشنبه
۲۵ قوس ۱۳۹۹
۱۵ دسامبر ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

شرکت تولیدی پوشاک استانبول

لباس دلخواهتان را آنلاین خرید نمایید

www.pim.af 0731564444

معاشات بیش از ۴۰۰ مقام دولتی تعلیق شد



معلومات اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در اداره امور ریاست جمهوری نشان می‌دهد که تاکنون حدود ۳۰ هزار و ۵۰۰ مقام بلندپایه دولتی دارایی خود را ثبت کرده‌اند. مسوولان این اداره تصریح کردند که این روند ادامه دارد؛ اما هنوز شماری از مقام‌های حکومت و اعضای مجلس نمایندگان دارایی‌هایشان را ثبت و اشاعه نکرده‌اند. طبق معلومات این اداره، در حال حاضر معاش و امتیازات ۴۰۰ مقام دولتی به شمول اعضای مجلس نمایندگان تعلیق شده است. دلیل این کار، ثبت‌نشدن دارایی‌های این افراد عنوان شده است. پیش از این نیز اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها معاش و امتیازات دو وزیر، چهار والی و ۱۸۴ عضو مجلس را تعلیق کرده بود. از سوی دیگر، مسوولان اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها خاطرنشان می‌کنند که شماری از مقام‌های دولتی که در هنگام ثبت دارایی‌هایشان معلومات را نادرست ثبت کرده‌اند، براساس قانون به دادستانی کل معرفی می‌شوند.



یافته‌های یک تحقیق؛

روایت زنان از آزمایش بکارت دردناک است

۳

عزیزی بانک Azizi Bank

عزیزی بانک به پاس خدمات و محصولات خوب خویش در افغانستان، در سال ۲۰۲۰ تندیس بهترین بانک را دریافت نمود



داکتر محمد سالم امید، رییس هیئت عامل عزیزی بانک، در مراسمی که از طرف روند خط‌سوم برگزار شده بود، تندیس متذکره را به نمایندگی عزیزی بانک، دریافت نمود. محترم محمد سالم امید، ضمن ابراز تشکر از برگزار کنندگان این محفل، در مورد خدمات و محصولات بانک، برای اشتراک کنندگان محفل معلوماتی ارایه نمود و بر ایجاد امکانات و ابتکارات بیشتر تاکید نمود. قابل تذکر است که در این مراسم علاوه بر مقامات دولتی و نمایندگان پارلمان، نمایندگان اقدار مختلف جامعه نیز حضور داشتند.

جنگ بدخشان و نگرانی کشورهای همسایه

ولایت بدخشان به دلیل داشتن معادن زیاد، منطقه جذاب برای نیروهای تروریستی و مافیای داخلی است. جنگ طالبان و تروریست‌های داخلی با دولت افغانستان واقعیت ثابت است؛ اما یک بخش این جنگ در ولایت بدخشان، جنگ معدن و کسب سود میان مافیا، دولت و طالبان است.



۴

غنی:

ترجیح می‌دهیم که مراحل بعدی مذاکرات صلح در داخل کشور برگزار شود

۸صبح، کابل: محمدشرف غنی، رییس جمهور می‌گوید، ترجیح می‌دهد که مذاکرات بین‌الافغانی در داخل کشور برگزار شود. غنی این سخنان را در نشست کابینه که پیش از چاشت روز دوشنبه، بیست‌وچهارم قوس برگزار شد، مطرح کرده است. طبق اعلام ارگ، محمدشرف غنی گفته است: «من می‌خواهم به قوت اظهارات مشاور امنیت ملی افغانستان را در مورد این که ما ترجیح می‌دهیم تا دور دوم مذاکرات صلح در افغانستان انجام شود را تایید کنم». رییس جمهور گفته است: «هرگاه طالبان ادعا دارند که در سرزمین افغانستان اند؛ پس چرا در خاک افغانستان مذاکره نمی‌کنند؟» به گفته او، هرجایی از افغانستان را که طالبان بخواهند، دولت افغانستان آماده است تا با آن‌ها مذاکره کند. غنی می‌گوید که افغان‌ها در خیمه هم می‌توانند مذاکره کنند، در سردی هم. او تاکید کرده است زمان آن نیست که هتل‌های مفسن پیش‌شرط همه گذاشته شود. غنی افزوده است: «ضروری است که همه‌ی مردم ببینند تا مذاکرات چگونه انجام می‌شود؟ روی کدام موضوعات تمرکز می‌شود و چرا؟» پیش از این حمدالله محب، مشاور امنیت ملی نیز خواست مشابه را مطرح کرده است، اما طالبان در این مورد پاسخ ندادند. دور اول مذاکرات بین‌الافغانی در ۲۲ ماه قوس پایان یافت. قرار است دور بعدی در شانزدهم ماه جدی از سر گرفته شود.

در ولایت بلخ امسال ۱۵ تن عسل تولید شده است

۸صبح، کابل: ریاست زراعت، آبیاری و مالداری ولایت بلخ اعلام کرده است که میزان تولید عسل در این ولایت امسال به ۱۵ تن رسیده است.

وزارت زراعت روز دوشنبه، بیست‌وچهارم قوس، با نشر خبرنامه‌ای به نقل از ذبیح‌الله زوبین امر امور زراعتی بلخ نوشته است: «تولید عسل بلخ امسال به ۱۵ تن رسیده است در حالی که سال گذشته به ۱۲ تن رسیده بود. این رقم



نشانه‌دهنده ۱۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل می‌باشد.» زوبین می‌گوید که ۴۵۶ زنبوردار در بلخ در بخش پرورش زنبور عسل در سه انجمن زنبورداری فعالیت دارند. طبق معلومات زوبین، در ولایت بلخ، یک هزار و ۸۹۷ کندو وجود دارد. وزارت زراعت گفته است که ولسوالی‌های چهارکنت، شولگره، دولت‌آباد، نهرشاهی، شورتپه، خلم، بلخ، دهدادی و چمتال از تولیدکننده‌گان اصلی عسل در ولایت بلخ است. امر امور زراعتی بلخ افزوده است که بهای عسل بسته‌گی به نوع گلی که زنبور از آن تغذیه می‌کند، دارد. به قول او، عسل تولید شده از گل سمسول ولسوالی چهارکنت هر کیلو یک هزار افغانی، عسل تولید شده از گل پنبه، هر کیلو ۷۰۰ افغانی و عسل تولید شده از گل شبدر ولسوالی دهدادی هر یک کیلو ۵۰۰ افغانی به فروش می‌رسد. عسل بلخ بیش‌تر در بازار منطقه، سوپر مارکت‌های شهر و نمایشگاه‌های زراعتی فروخته می‌شود.



آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

1333 | +93 (0) 790 07 1333 | flyariana.com | 1333



#آریانا_از_شماست



انتقال میز مذاکره از دوحه به کابل هزینه دارد

بحث درباره این که مذاکرات بین دولت و طالبان در داخل کشور انجام شود، یک بحث دراز دامن و طولانی است. تقریباً ده سال از شروع این بحث گذشته است. حامد کرزی، رییس جمهور پیشین کشور، پیش از تأسیس دفتر سیاسی طالبان در قطر، گفته بود که او خواستار مذاکره با طالبان در داخل کشور است. کرزی با وجود این، در جدی ۱۳۹۰ با طرح تأسیس دفتر سیاسی طالبان در قطر موافقت کرد. او هدف از این موافقت را آوردن صلح در کشور اعلام کرد.

طرح تأسیس دفتر سیاسی برای طالبان در قطر در نتیجه مذاکرات پنهانی بین مقامات امریکایی و سران طالبان پیشنهاد شده بود. این دفتر سرانجام در جوزای ۱۳۹۲ افتتاح شد.

گروه طالبان ابتدا پرچم «امارت اسلامی» را بر فراز دفتر خود نصب کرده بود. بعدتر این پرچم در پی مخالفت دولت افغانستان، پایین کشیده شد. تأیید این دفتر از سوی دولت با این پرچم به معنای به رسمیت شناختن «امارت اسلامی» به عنوان یک دولت بود. از همین رو، دولت مخالف نصب پرچم مذکور بر فراز دفتر سیاسی طالبان در قطر بود.

مذاکرات رسمی بین دولت و طالبان در دوره کرزی آغاز نشد. به این ترتیب، جنگ به حکومت غنی و عبدالله به میراث رسید. در دوران حکومت آن‌ها بود که امریکایی‌ها به مذاکره با طالبان به صورت علنی آغاز کردند. البته این مذاکرات قبلاً به صورت پنهانی کلید خورده بود.

در جریان مذاکرات امریکا و طالبان، نشست بین‌افغانی مسکو - بدون نماینده‌گان دولت - در ماه دلو ۱۳۹۷ برگزار شد. شیرمحمد عباسی استانکزی در این نشست ریاست هیأت اعزامی طالبان به مسکو را برعهده داشت. او در مصاحبه‌ای با رسانه‌ها گفت که بدون تأسیس یک دفتر رسمی برای «امارت اسلامی» در کابل، امکان مذاکره بین طرف‌های جنگ نیست. استانکزی تأکید کرد که این دفتر باید از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شود و در فعالیت خود آزاد باشد. هم‌چنان با مردم و قشر سیاسی رابطه برقرار کند و به مطبوعات برای پخش و نشر دیدگاه‌هایش، به‌ویژه در زمینه صلح دسترسی داشته باشد.

به دنبال این نشست، غنی در سفری که در همان ماه به ننگرهار داشت، به طالبان پیشنهاد کرد که آماده است برای این گروه در کابل یا ننگرهار و قندهار دفتر ایجاد کند. این پیشنهاد از جانب طالبان قبول نشد. سهیل شاهین، سخنگوی سابق دفتر طالبان در قطر، اعلام کرد که غنی قصد دارد روند صلح را به انحراف ببرد. او گفت که خواست طالبان این است که دفتر سیاسی این گروه در قطر از سوی جامعه جهانی و سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شود.

دولت سرانجام کوتاه آمد و به شروع مذاکرات بین‌افغانی با میزبانی قطر رضایت داد. دور اول این مذاکرات که در ۲۲ سنبله آغاز شده بود، پایان یافته است. دور دوم آن نیز قرار است با میزبانی قطر تا چند هفته دیگر آغاز شود.

حمداالله محب، مشاور امنیت ملی، در ۲۲ قوس اعلام کرد که ادامه مذاکرات باید در داخل افغانستان پی‌گیری شود. او تأکید کرد که حکومت آماده است شرایط ادامه این مذاکرات در داخل کشور را فراهم کند. اشرف غنی روز گذشته (۲۴ قوس) از این پیشنهاد پشتیبانی کرد. او گفت که حکومت آماده است در هر جایی از افغانستان که طالبان بخواهند، همراه این گروه مذاکره کند. گروه طالبان تا ناوقت دی‌روز در این مورد واکنشی نشان نداده بود.

دولت افغانستان بر اساس سه هدف روشن مخالف ادامه مذاکرات در بیرون از کشور است. اول، دولت قصد دارد طالبان را از نزدیک و به صورت مستقیم زیر فشار افکار عمومی قرار دهد. دوم، دولت می‌خواهد که هزینه مالی مذاکرات را کاهش بدهد. هرچند تاکنون این هزینه از سوی قطر پرداخت شده است. سوم، هدف دولت کوتاه‌کردن دست کشورهای بیرونی از این مذاکرات است. به باور دولت، این سه هدف زمانی به دست می‌آید که میز مذاکره از بیرون به خانه منتقل شود.

در مقابل، طالبان نگران هزینه مالی مذاکرات نیستند. مصارف مالی مذاکرات این گروه از جانب قطر، امریکا و پاکستان فراهم می‌شود. هم‌چنان طالبان رویارویی مستقیم با مردم و افکار عمومی را به نفع خود نمی‌دانند. به همین شکل، دخالت کشورهای بیرونی در مذاکرات تا این دم به نفع این گروه بوده است. با توجه به این نکات، طالبان تمایلی به انتقال میز مذاکره به خانه ندارند.

علاوه بر این موارد، گروه طالبان نسبت به دفتر سیاسی خود در قطر نگاه استراتژیک دارند. این دفتر وزنه سیاسی طالبان را بلند برده است و روابط این گروه با جهان را تأمین کرده است. هم‌چنان این گروه با استفاده از دفتر قطر به صورت آزادانه با چهره‌های سیاسی مخالف حکومت کنونی در تماس است. بنابراین، این گروه حاضر نیست این غنیمت را از دست بدهد.

از جانب دیگر، گروه طالبان به منظور تأسیس دفتر سیاسی برای خود در داخل افغانستان شرایط ویژه‌ای دارد. یکی از این شرایط آن است که دفتر این گروه باید زیر نام «امارت اسلامی» گشایش یابد. شرط دیگر آن، پذیرش این دفتر از جانب جامعه جهانی و سازمان ملل متحد به عنوان دفتر رسمی این گروه است. به همین شکل، لغو کلیه تعزیرات در برابر گروه طالبان و سران آن به منظور زنده‌گی، تردد و برگزاری نشست‌های آزادانه از شرایط دیگر این گروه است. بدیهی است که ایجاد دفتری با این شرایط برای طالبان در داخل کشور، یک ریسک کلان است.

در یک نگاه کلی، طالبان فعلاً آماده مذاکره با دولت در داخل افغانستان نیستند. دفتر سیاسی این گروه در قطر تاکنون به اندازه کافی برای این گروه سودآور تمام شده است. این گروه شاید زمانی با ادامه مذاکرات در داخل افغانستان موافقت کند که توافقات ابتدایی سیاسی به مرحله اجرا برسد. یکی از این توافقات، توافق روی تشکیل «حکومت موقت» است. تا آن زمان، تقلاً برای انتقال میز مذاکره از دوحه به کابل، بیهوده است؛ مگر آن که دولت به شرایط طالبان تسلیم شود و به تأسیس دفتر برای طالبان تابع شرایط خود این گروه، تن بدهد.

وزیران خارجه و مالیه:

اگر شرایط جامعه جهانی عملی نشود، احتمال قطع کمک‌ها وجود دارد

جامعه جهانی از هر نوع صلح حمایت نمی‌کند. وزیر امور خارجه افزود که نه تنها روند صلح مورد توجه قرار بگیرد، بلکه درباره مقصد نهایی صلح نیز برنامه‌ریزی شود.

محمدحنیف اتمر گفت که پنج شرط برای حکومت‌داری مسوولانه از سوی جامعه جهانی برای ادامه کمک‌ها پیش‌کش شده است.

وزیر امور خارجه گفت که در پیام‌ها و اعلامیه نشست ژنو نیز تأکید شده است که حکومت‌داری در افغانستان باید بر مشارکت ملی، وحدت ملی و مردم‌سالاری استوار باشد.

اتمر از رعایت و نهادینه شدن حقوق بشر، حقوق زن و حقوق همه شهروندان، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد در تمامی سطوح و حمایت از حقوق و آزادهای مدنی مردم به عنوان سایر شرط‌های جامعه جهانی برای افغانستان یاد کرد.

او گفت که این شرایط تعیین‌کننده است و آینده کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان به آن بسته‌گی دارد.

حنیف اتمر تأکید کرد که نباید این فرض را داشت که در هر صورت جهان از افغانستان حمایت می‌کند او افزود: «در هر صورت دنیا با ما نیست.»

عبدالهادی ارغندیوال، وزیر مالیه نیز تأکید کرد که صلح‌سازی، دولت‌سازی و بازسازی از محورهای نشست ژنو بود.

به گفته وزیر مالیه، جامعه جهانی به افغانستان ۱۳۰۴ میلیارد دلار کمک تعهد کرده است.

او گفت که این تعهدات مشروط است و از آن استقبال می‌کند؛ زیرا دولت و جامعه جهانی باید در برابر یک دیگر پاسخ‌گو باشد.

ارغندیوال گفت، کمک‌هایی که برای سال ۲۰۲۱ اختصاص داده شده است، نهایی است، اما در پایان همین سال باید معیارهای جامعه جهانی از سوی افغانستان تکمیل شود.

به گفته او، اگر این معیارها و شرایط برآورده شود، احتمال افزایش کمک‌ها وجود دارد و در صورت عدم برآورده‌شدن شرایط و معیارهای جامعه جهانی، احتمال کاهش و قطع کمک‌ها نیز دور از تصور نیست. نشست ژنو در سوم و چهارم ماه قوس برگزار شد و جامعه جهانی برای چهار سال آینده کمک بیش از ۱۳ میلیارد دلاری را به افغانستان به صورت مشروط تعهد کرد.



او این شرایط را به دو دسته تقسیم کرد. به گفته اتمر، بخشی از این شرایط متعلق به صلح است و بخش دیگر آن مربوط به «حکومت‌داری مسوولانه و خوب» است.

اتمر گفت که جهان به صورت واضح اعلام کرده است که از صلح حمایت می‌کند، اما کمک‌های آینده به افغانستان مشروط بر این است که صلح سبب حفاظت و تقویت نظام جمهوری شود.

او گفت: «در رابطه به صلح دنیا واضح گفت که مایل می‌خواهیم و کمک‌های آینده مربوط به این است که شما کدام گزینه را انتخاب می‌کنید؟ صلح با جمهوری اسلامی یا صلح بدون حقوق بشر، حقوق زن و حاکمیت قانون.»

به گفته اتمر، اگر صلح بدون حاکمیت قانون، حقوق بشر و حقوق زن انتخاب شود، جهان به افغانستان کمک نخواهد کرد.

اتمر هم‌چنان گفت که جامعه جهانی حمایت و کمک‌هایش را از صلح به حفظ جمهوریت و ارزش‌های آن مشروط کرده است. به گفته اتمر،

۸صبح، کابل: وزیران خارجه و مالیه با ارائه نتایج و دست‌آورد‌های نشست «افغانستان ۲۰۲۰» یا ژنو به مجلس نماینده‌گان اعلام کردند که کمک‌های جامعه جهانی که در این نشست تعهد شده است، مشروط است و در صورتی که این شرایط اجرایی نشود، احتمال قطع کمک‌ها دور از تصور نیست.

محمدحنیف اتمر، وزیر امور خارجه و عبدالهادی ارغندیوال، وزیر مالیه روز دوشنبه، بیست‌وچهارم قوس در نشست عمومی مجلس نماینده‌گان گزارش نشست ژنو را ارائه کردند.

محمدحنیف اتمر، وزیر امور خارجه گفت، شرایطی که از سوی جامعه جهانی برای ادامه کمک‌های مالی و حمایت‌های سیاسی به افغانستان وضع شده است، خواست مردم افغانستان نیز است و خلاف منافع ملی نیست.

اتمر گفت که جامعه جهانی مبارزه مردم افغانستان با تروریسم را به رسمیت شناخته و آن را در راستای اهداف مشترک منطقه و جهان می‌داند.

به گفته او، همکاری جهان با افغانستان مشروط و منوط به یک رشته شرایط است و بدون اجرای این شرایط، حمایت‌های سیاسی و کمک‌های مالی و اقتصادی تعهد شده به افغانستان، صورت نخواهد گرفت.

وزیر امور خارجه تأکید کرد که برای نظام جمهوری و تمام ارکان این نظام مهم است که این شرایط را به درستی درک و عمل کنند.

وزارت معارف از تصمیم‌های لغو معینیت تعلیمات اسلامی منصرف شد



۸صبح، کابل: وزارت معارف از تصمیم‌های لغو ساختار معینیت تعلیمات اسلامی، منصرف شده است.

در خیرنامه وزارت معارف که روز دوشنبه، بیست‌وچهارم قوس نشر شد، آمده است که براساس پیشنهاد سرپرست‌وزیر وزارت معارف و منظوری ریاست جمهوری، ساختار تشکیلاتی معینیت تعلیمات اسلامی احیا شده است.

این وزارت چندی پیش اعلام کرد که معینیت تعلیمات اسلامی با بخش دیگری از وزارت معارف مدغم و به یک ریاست عمومی تبدیل شده است.

تغییر ساختار معینیت اسلامی واکنش‌برانگیز شد و انتقادهای گسترده و مخالفت مجلس نماینده‌گان را همراه داشت.

طبق اعلام این وزارت، طرح تشکیلاتی معینیت لغو ساختار معینیت تعلیمات اسلامی، منصرف شده است.

وزارت معارف به دلیل پیش‌کش کردن طرح جنجالی انتقال صنف‌های اول تا سوم مکاتب به مساجد در روزهای اخیر مورد توجه رسانه‌ها و مردم بوده است.

۱۰ نیروی دولتی در حمله طالبان در کندز کشته شدند

۸صبح، کابل: یک مقام حکومتی در کندز تأیید می‌کند که هشت نیروی دولتی در حمله طالبان در ولسوالی امام‌صاحب کشته شده‌اند.

طبق اطلاعات این منبع که نمی‌خواهد از او نامی در این خبر برده شود، سه تن از نیروهای دولتی در این حمله زخمی شده‌اند.

این حمله شب گذشته بر پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در ولسوالی امام‌صاحب اجرا شده است. یوسف ایوبی، رییس شورای ولایتی کندز می‌گوید که در پی این حمله یک فرمانده نیروهای سرحدی، یک سرباز ارتش و هشت نیروی خیزش مردمی کشته شده‌اند.

او هم‌چنان گفت در این حمله سه تن دیگر زخمی شده‌اند.

رییس شورای ولایتی کندز افزایش تلفات نیروهای دولتی در این ولایت را مایه نگرانی برای باشندگان و شورای ولایتی کندز عنوان کرد. او گفت مدیریت ناسالم مقام‌های نظامی و غیرنظامی کندز سبب افزایش تلفات نظامیان



هفت غیرنظامی در ولایت‌های لغمان و ننگرهار کشته شدند

۸صبح، کابل: مقامات در ننگرهار و لغمان اعلام کرده‌اند که هفت غیرنظامی در این دو ولایت در پی حمله طالبان و انفجار ماین کشته شده‌اند. این دو حادثه ناشی از انفجار ماین در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار و اصابت هواوان به یک خانه مسکونی در ولسوالی علیشنگ ولایت لغمان بوده است.

اسدالله دولت‌زی، سخنگوی والی لغمان، روز دوشنبه، بیست‌وچهارم قوس، به روزنامه ۸صبح گفت که جنگ‌جویان گروه طالبان ناوقت روز گذشته به پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در ساحة اسلام‌آباد ولسوالی علیشنگ حمله کرده بودند که از سوی نیروهای دولتی عقب زده شد و یک عضو کلیدی گروه طالبان نیز کشته شده است.

سخنگوی والی لغمان گفت که در جریان درگیری، یک فیر هواوان از سوی جنگ‌جویان گروه طالبان به سمت یک خانه مسکونی در منطقه اسلام‌آباد شلیک شده است.

به گفته اسدالله دولت‌زی، در اثر اصابت این راکت سه عضو یک خانواده کشته و نه تن دیگر زخمی شده‌اند.

از جانب دیگر، عطالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار گفته است که در پی انفجار ماین جاسازی شده گروه طالبان در ولسوالی خوگیانی این ولایت، چهار غیرنظامی کشته شده‌اند.

این رویداد پس از چاشت روز گذشته در ساحة «زاوی» ولسوالی خوگیانی رخ داده است. این ماین یک موتر نوع «سراچه» را هدف قرار داده است.

گروه طالبان نسبت به این رویداد واکنشی نشان نداده است.



حسین روشن

نتیجه یک تحقیق نشان می‌دهد که بیش‌تر آزمایش‌های بکارت زنان در کشور بدون حکم محکمه انجام می‌شود. براساس یافته‌ها، پولیس در مرحله شکایت‌های اولیه پیرامون برخی از رویدادها، زنان را مستقیم به آزمایش بکارت می‌فرستد. این دستور حتی در مواردی که به آزمایش بکارت ربطی نداشته، صادر شده است. در برخی از موارد، زنان و دختران برای اثبات سلامت بکارت‌شان بارها به انجام دادن آزمایش مجبور شده‌اند. شماری از این زنان گفته‌اند که در جریان آزمایش بکارت، چندین تن در محل آزمایش حضور یافته‌اند و هم‌چنان با آنان برخورد توهین‌آمیز صورت گرفته است. این در حالی است که در نصف از این آزمایش‌ها، ثابت شده که نتایج آزمایش در فیصله محکمه تاثیری نداشته است. برخی از قربانیان تجاوز جنسی در جریان این تحقیق گفته‌اند که با وجود ازدواج شرعی، به سپری کردن آزمایش بکارت مجبور شده‌اند. آزمایش‌های بکارت در کشور به حدی «خشونت‌بار» و «تحقیرآمیز» خوانده شده است که حتی زنان حاضرند با وجود بی‌گناهی‌شان، به برقراری رابطه جنسی اعتراف کنند. این تحقیق در حالی همگانی می‌شود که براساس قانون افغانستان، آزمایش بکارت بدون رضایت هم‌زمان زن و حکم محکمه باصلاحیت جواز ندارد.

موسسه میدیکا افغانستان روز دوشنبه، بیست‌وچهارم قوس گزارشی را در مورد قضایای معاینه پرده بکارت زنان نشر کرد. در این گزارش ۲۹ پرونده از آزمایش پرده بکارت در ولایت‌های کابل، هرات و بلخ بررسی شده است. هرچند قانون بر حکم محکمه و رضایت زن در این شرایط تأکید دارد، اما براساس یافته‌های این نهاد، ۲۸ مورد از مجموع این پرونده‌ها در مرحله اول گرفتاری یا شکایت، توسط پولیس و یک پرونده توسط دادستانی کل به آزمایش راجع شده است. در همه این پرونده‌ها، فیصله محکمه برای اجرای آزمایش وجود نداشته است. ۲۳ مورد از این پرونده‌ها برای تثبیت اتهام رابطه جنسی غیرقانونی، چهار مورد برای رسیده‌گی به شکایات مبنی بر آزار و اذیت جنسی، یک مورد در پیوند به اتهام کیسه‌بری و یک مورد برای رسیده‌گی به شکایت مبنی بر دوشیزه نبودن به آزمایش‌ها راجع شده است. در این پرونده‌ها، ۲۲ تن از زنان متهم بالای ۱۸ سال و هفت تن دیگر زیر ۱۸ سال عمر داشته‌اند. در برخی از این قضایا، دختران زیر سنین ۱۳ نیز وجود داشته‌اند. از میان مجموع این افراد، نه تن‌شان مجرد بوده‌اند. از مجموع افرادی که قضایای آزمایش پرده بکارت‌شان بررسی شده است، ۲۰ تن شان در زندان‌ها و نظارت‌خانه و نه تن‌شان در بیرون از زندان بوده‌اند. براساس یافته‌های کلی این نهاد، تنها ۱۵ قضیه از مجموع قضایای آزمایش پرده بکارت بر فیصله محاکم تاثیر داشته است. درخواست آزمایش پرده بکارت این شمار از زنان و دختران در حالی صورت گرفته که ۲۲ تن پیش از اجرای معاینات به جرم‌شان اعتراف کرده بودند. از این میان تنها شش تن اعتراف نکرده بودند و یک تن نیز این آزمایش را در حالت بی‌هوشی انجام داده بود.

بررسی‌ها این نهاد هم‌چنان نشان می‌دهد که زنان پس از آزمایش‌ها احساس مناسبی نداشته‌اند و وضعیت‌شان را «وحشتناک»، «دردآور» و «توهین‌آمیز» توصیف کرده‌اند. بدین ترتیب این زنان پس از آزمایش‌ها عکس‌العمل‌های ترس، وحشت و شرم را از خودشان تبارز می‌دادند. از میان مجموع زنانی که این آزمایش را پشت سر گذاشته‌اند، شماری از آن‌ها احساسات‌شان را شریک کرده‌اند. برخی از این زنان پس از انجام آزمایش گریه کردند، شماری احساس شرم داشتند، برخی نیز آن را تحقیر خود می‌پنداشتند. در این میان هفت تن‌شان احساس درد داشتند و شش تن‌شان می‌ترسیدند. تنها پنج تن در میان این زنان با این همه احساسات نامناسب، از نتیجه آزمایش راضی بودند، زیرا بی‌گناهی‌شان ثابت شده بود.

آزمایش‌های پرده بکارت چرا و چگونه انجام شد؟
موسسه میدیکا افغانستان روایت‌های برخی از این زنان را با نام‌های مستعار به تصویر کشیده است. زرمینه (نام مستعار) خانم ۲۴ ساله است. به گفته این نهاد، او یک‌وونیم سال پیش نامزاد شده بود، اما در مسیر دانشگاه از سوی یک فرد اختطاف و برای ۷۰ روز لادرک شد. وی سرانجام با تلاش‌های زیاد موفق می‌شود که فرار کند و پس از مدتی، با نامزدش ازدواج می‌کند. تنها یک ماه پس از ازدواج او، فردی که وی را اختطاف کرده بود، پیدا می‌شود. این فرد شکایت می‌کند که زرمینه همسر وی است و آن‌ها پیش‌تر ازدواج کرده‌اند. پولیس پس از این شکایت، زرمینه را بازداشت و به انجام دادن آزمایش پرده بکارت مجبور می‌کند. موسسه میدیکا تصریح کرده است که آزمایش پرده بکارت در واقع ازدواج این زن با فردی که ادعا کرده است را ثابت نمی‌کند. به گفته این

یافته‌های یک تحقیق؛ روایت زنان از آزمایش بکارت دردناک است

و گفته است که برخوردها با این مسایل به تدریج در حال تغییر است. این در حالی است که وکلای مدافع گفته‌اند، روش اجرای آزمایش پرده بکارت در افغانستان «ظالمانه»، «تحقیرآمیز» و «در مغایرت به اصل احترام به کرامت انسانی زنان» است.

خلاف‌وزی‌های حین آزمایش بکارت

موسسه میدیکا افغانستان در گزارش خود گفته است که به افراد متهم در تاسیسات طبی حین آزمایش بکارت به چشم گناهکار دیده می‌شود و حتی با الفاظ رکبک خطاب می‌شوند. ای در حالی است که بیشتر زنانی که آزمایش بکارت را پشت سر می‌گذارند، با وجود رضای بودن از نتیجه آن، احساس نامناسی داشته می‌باشند و حتی گریه می‌کنند. هرچند در قانون تصریح شده است که آزمایش بکارت تنها با رضایت هم‌زمان زن و حکم محکمه جواز دارد، اما به گفته این موسسه، دانستن رضایت فرد متضرر در شرایط عینی کشور «بسیار محدود» است، زیرا براساس یافته این نهاد، ۷۰ درصد از این زنان به امید اثبات بی‌گناهی و ۳۰ درصد به دلیل وعده پولیس مبنی بر کاهش مجازات، حاضر به آزمایش بکارت شده‌اند.

در یکی از مواردی که در گزارش آمده، پولیس همسر مقتول را به اتهام داشتن رابطه نامشروع احتمالی با کسانی که شوهرش را به قتل رسانده‌اند، بازداشت و برای انجام آزمایش پرده بکارت به شفاخانه می‌فرستد. این آزمایش با جبر و اکراه انجام می‌شود و حتی آن زن مورد توهین و تحقیر قرار می‌گیرد. به گفته موسسه میدیکا، این زن به دلیل برخوردی که با وی صورت گرفته است، حاضر نمی‌شود که با کسی در مورد قضیه‌اش صحبت کند و به صراحت گفته است که دیگر بالای نظام باور ندارد. هم‌چنان در برخی از موارد، پولیس به زنان وعده کرده است که در صورت پشت سر گذاشتن آزمایش، قضیه‌اش حل می‌شود، اما در نتیجه خلاف این وعده ثابت شده است. این در حالی است که مبتنی بر یافته این نهاد، هرچند زنان به رابطه جنسی اعتراف می‌کنند، اما از طرف پولیس به پشت سر گذاشتن آزمایش بکارت مجبور می‌شوند و در حالت منفی بودن آزمایش، محکمه از روی اعتراف حکم صادر می‌کند.

براساس یافته‌های موسسه میدیکا افغانستان، آزمایش بکارت در افغانستان عمل «خشونت‌بار» و «تحقیرآمیز» است که «تبعیض آشکار علیه زنان» در دستگاه عدلی و قضایی را نشان می‌دهد. این موسسه آزمایش‌های کنونی را در مغایرت آشکار با اصول و معیارهای بین‌المللی، ارزش‌های بشری و قانون اساسی کشور خوانده و آن را از نگاه دین اسلام مردود دانسته است. این نهاد هم‌چنان گفته است که این گونه آزمایش‌ها سبب افزایش قتل‌های ناموسی، خشونت‌های خانواده‌گی و مردود شدن از خانواده می‌شود و هم‌چنان آسیب‌های جدی را بر زنان به جا می‌گذارد. به گفته موسسه میدیکا افغانستان، این آزمایش‌ها در برخی از موارد سبب افسرده‌گی و حتی اقدام به خودکشی شده است.

این نهاد از حکومت می‌خواهد که کد جزا، به ویژه ماده ۶۴۰ آن که در مورد آزمایش پرده بکارت است را اصلاح کند و آزمایش‌ها با روش کنونی را به کلی ممنوع سازد. هم‌چنان تصریح شده است که باید رهنمود واضح و روشن برای اجرای آزمایش نسایی مبتنی بر پروتکل تداوی قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت داشته باشد. موسسه میدیکا افغانستان در ادامه خواستار روش «درخواست ابطال بر مبنی رهنمود ماده ۲۱ قانون اجراء جزایی» در رابطه به استفاده از نتیجه آزمایش پرده بکارت شده و گفته است که باید یک رویه قضایی مثبت و سازنده معرفی شود. به گفته این نهاد، ارجاع به آزمایش پرده بکارت از سوی پولیس بیش‌تر در مغایرت با توضیحات ماده ۶۴۰ کد جزا است و لازم است که در این زمینه کار شود. هم‌چنان تصریح شده است که باید داکتران طب عدلی با توجه به دانش مسلکی‌شان در رابطه به بی‌اعتبار بودن نتیجه آزمایش بکارت (آزمایش در موارد بی‌ربط)، باید درخواست این گونه آزمایش‌ها را به چالش بکشند. در این گزارش بر بهتر شدن رویه داکتران در جریان این کار تأکید شده است.

حکومت پیش‌تر اعلام کرد که آزمایش پرده بکارت بدون رضایت هم‌زمان زن و حکم محکمه با صلاحیت جواز ندارد. با این حال کمیسیون مستقل حقوق بشر در یک گزارش خود در سال جاری دریافت که ۹۲ درصد از آزمایش‌های پرده بکارت خلاف قانون انجام می‌شود. سرانجام معاونیت دوم ریاست جمهور در پانزدهم قوس به دادستانی کل هدایت داد که تخلفات در مورد آزمایش بکارت به گونه جدی پیگیری شود. این در حالی است که نهادهای حقوق بشری پیش‌تر این آزمایش‌ها را خلاف ارزش‌های بشری، قوانین داخلی و اصول بین‌المللی خوانده‌اند.

خانواده وی از تجاوز جنسی بالای او بی‌خبر می‌باشند. مادر این دختر به پولیس شکایت می‌کند، اما پولیس می‌گوید که بدون ثبوت نمی‌توان اقدام به بازداشت کسی کند و به همین دلیل، دختر مجبور به پست سرگذاشتن آزمایش پرده بکارت می‌شود. این آزمایش از سوی یک داکتر مرد نظامی در معاینه‌خانه خصوصی صورت می‌گیرد و قضیه تجاوز تأیید می‌شود. با این حال، پولیس برای تأیید مجدد وی را برای آزمایش بکارت به یک معاینه خانه خصوصی دیگر راجع می‌کند. در آن‌جا نیز داکتران افزون بر آزار و اذیت، قضیه تجاوز جنسی را تأیید می‌کنند. پولیس اما این بار وی را به طب عدلی معرفی می‌کند و قضیه را به بخش منع خشونت راجع می‌سازد.

در این آزمایش خلاف آزمایش‌های قبلی ثابت می‌شود، اما مادر دختر شکایت می‌کند و این بار آزمایش مجدد از سوی کمیسیون طب عدلی انجام می‌شود. هرچند این آزمایش در حضور دادستان موظف، وکیل مدافع و داکتران صورت می‌گیرد و تخریب پرده بکارت را تأیید می‌کند، اما در گزارش دادستان تصریح شده است که پرده بکارت آسیب ندیده است. براساس یافته موسسه میدیکا افغانستان، این آزمایش سبب می‌شود که محکمه ابتدائیه علیه سلیمه تصمیم بگیرد. با این حال، این نهاد پس از تلاش مجدد و اعتراض بر عملکرد پولیس، سبب تغییر در تصمیم محکمه می‌شود. بدین ترتیب فیصله محکمه ابتدائیه رد می‌شود و محکمه با در نظرداشت توضیحات وکیل مدافع، حکم بررسی مجدد را می‌دهد. هرچند گزارش بر نبود تخریب بکارت سلیمه تأکید داشته است، اما بررسی‌ها نشان داده بود که این دختر ۱۲ ساله به مریضی ناشی از مقاربت جنسی مبتلا بوده است و از لحاظ روانی دوران سختی را سپری کرده است. با این همه، محکمه با توجه به گزارش کمیسیون و بدون توجه به نتیجه آزمایش پرده بکارت، حکم به محکومیت وی داده است.

در دیگر مورد، نوریه (اسم مستعار) که ۲۲ سال داشته، از سوی یک هم‌صنفی‌اش قربانی آزار و اذیت می‌شوند. هرچند پسر وی را اختطاف می‌کند، اما موفق به فرار می‌شود. با آن‌که قضیه را با مادرش در میان گذاشته، اما مادر او برای حفظ آبروی خانواده‌اش سکوت می‌کند. همان پسر روز بعد دوباره وی را به داخل موترش می‌کشاند و از قضا، برادر نوریه صحنه را می‌بیند. براساس گزارش موسسه میدیکا افغانستان، قضیه به پولیس می‌رسد، اما پولیس به جای رسیده‌گی به شکایت نوریه و برادرش، او را به زنا متهم می‌کند و برای آزمایش بکارت می‌فرستد. هرچند این آزمایش به گونه جبری انجام شد و جواب آن منفی بود، اما پولیس قناعت نمی‌کند و دوباره وی را به انجام دادن آزمایش مجبور می‌کند.

اعتراف در حالت بی‌گناهی برای جلوگیری از تکرار آزمایش

در یکی از این موارد، یک زن ۱۹ ساله حتی به دلیل تکرر آزمایش‌ها مجبور می‌شود که اعتراف کند. انیسه (اسم مستعار) به موسسه میدیکا افغانستان گفته است که در آن سن مجبور به ازدواج شد و در زنده‌گی متاهلی‌اش خشونت‌های زیادی را متحمل شد. وی گفته است که سرانجام به کمک یکی از آشنایانش فرار می‌کند و در هتلی پنهان می‌شود. سپس وی را به اتهام زنا با فردی که به وی کمک کرده بود، بازداشت کردند. به گفته موسسه میدیکا افغانستان، انیسه چند بار به انجام دادن آزمایش بکارت مجبور شد و در آن جریان مورد توهین و تحقیر قرار گرفت. او بالاخره برای جلوگیری از انجام آزمایش مجدد، به عمل جرمی اعتراف می‌کند، اما نتیجه آزمایش وی بعدی برعکس اعتراف او را ثابت کرد. با این همه، محکمه انیسه را براساس اعتراف او مسوول قرار داد و مجازات کرد. به گفته این موسسه، برخی از قضایا نشان می‌دهد که زنان به دلیل ترس از تجربه کردن مکرر آزمایش بکارت، حتی حاضر به قبول جرمی می‌شوند که انجام ندادند.

این نهاد در حالی از تکرر آزمایش بکارت خبر می‌دهد که پیش‌تر، حقوق بشر نیز در یک گزارش خود گفته است که ۲۰ زن از میان ۵۳ زنی که به جرایم اخلاقی متهم شده بودند، دو بار و در دو مورد حتی چهار بار به انجام دادن این آزمایش مجبور شده‌اند. این در حالی است که براساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر در آن زمان، در زمان آزمایش حداقل شش نفر در آن محل حضور داشته‌اند. این موسسه با استناد به یک گزارش و به نقل از مسوولان، گفته است که علاوه بر تکرار آزمایش‌ها، این آزمایش‌ها در حضور پولیس، وکیل مدافع، کارمندان طبی و حتی محصلان صورت گرفته است. موسسه میدیکا افغانستان بر نقش وکلای مدافع در به چالش کشیدن این آزمایش‌ها تأکید کرده

نهاد، با گذشت مدت طولانی از اختطاف زرمینه، هیچ راهی برای پیدا کردن مدارک و شواهد از طریق آزمایش پرده بکارت وجود ندارد.

در این گزارش آمده است که یک دختر ۱۸ ساله بدون رضایت والدینش ازدواج کرده، اما پس از سپری شدن دو هفته از ازدواج، به دلیل شکایت پدرش بازداشت شده است. در این قضیه هرچند دختر و پسر به ازواج‌شان اعتراف و شواهد کافی ارایه کرده‌اند، اما با وجود آن به آزمایش بکارت فرستاده شده است. موسسه میدیکا افغانستان با اعتراض بر این موضوعات، برخورد پولیس را «غیرمسلکی» خوانده است، زیرا این اقدامات بدون دانستن ارتباط پرده بکارت با این قضیه انجام شده است. در بیش‌تر از این موارد، وکلای مدافع گفته‌اند که ارجاع متهم به آزمایش بکارت لازم نبوده و حتی این آزمایش نمی‌تواند کمکی به روند بررسی این قضایا کند.

در یک قضیه دیگر، دختر ۱۶ ساله‌ای که تأخیر عقلی داشته، توسط یکی از خویشاوندانش سه بار مورد تجاوز قرار گرفته است. هرچند خانواده دختر در بدل دریافت ۲۰ هزار افغانی از فرد متجاوز، سکوت می‌کنند، اما پولیس از قضیه باخبر می‌شود و دختر را به آزمایش پرده بکارت می‌فرستد. نتایج این آزمایش عدم سلامت پرده بکارت این دختر را تأیید کرده بود. محکمه در سهم خود با استناد بر نتیجه طب عدلی، این دختر را «بدون در نظرداشت وضعیت روانی» به یک سال حجر در مرکز اصلاح و تربیت مجازات می‌کند. موسسه میدیکا افغانستان گفته است که حتی رضایت دختر خردسال که از نگاه روانی مشکل دارد، نمی‌تواند او را از نظر جرمی مسوول بسازد و از سویی هم، بحث دریافت پول از سوی خانواده دختر، بحث را از رابطه جنسی غیرمشروع به برده‌داری جنسی کودک فراتر برده است.

افزون بر این، در این تحقیق به چند مورد دیگر نیز اشاره شده است. یک زن در گفت‌وگو با موسسه میدیکا افغانستان گفته است که از سوی خویشاوند شوهرش با تهدید اسلحه مورد تجاوز قرار گرفته است و پس از بازداشت متهم، پولیس وی را به آزمایش پرده بکارت راجع کرده است. این زن گفته است که در جریان آزمایش، با وی مطابق به پروتکل برخورد با قربانیان خشونت جنسی رفتار نشده و حتی هیچ‌گونه خدمات صحنی فزیک و روانی دریافت نکرده است. در پروتکل آمده است که آزمایش پرده بکارت قربانیان تجاوز و آزار و اذیت جنسی نباید به هدف بررسی کردن پرده بکارت قربانی یا سوابق جنسی فعلی وی باشد و اگر هرگونه تخطی‌ای صورت گیرد، به معناین «برخورد غیرمسلکی» و «شکنجه» است. به باور این نهاد، باید حق رضایت و انصراف قربانی، حق دسترسی وی به سند آزمایش و هم‌چنان وضاحت کامل داکتر در آن سند محفوظ باشد تا جزییات بر زنده‌گی آینده وی تاثیر منفی نگذارد، زیرا در برخی از موارد، توضیحات داکتران طوری استنباط می‌شود که با وجود نتیجه منفی، قربانی به ارتباط جنسی رضایت داشته است.

در دیگر مورد، دختری با نام مستعار فضیله که در یک خانواده غریب به دنیا آمده بود و پدرش معتاد بود، به رضایت خود و خانواده‌اش ازدواج می‌کند، اما از سوی شوهرش به اتهام سالم نبودن پرده بکارتش توهین و تحقیر می‌شود. شوهر وی در ادامه بالای آزمایش پرده بکارت را با اجبار انجام می‌دهد. او روایت‌های تلخی از تجربه‌اش داشته که حتی اقدام به خودکشی می‌کند. سرانجام ثابت می‌شود که بکارت وی سالم است و در مقابل، این بار او درخواست اعاده حیثیت می‌کند. هرچند شوهر او مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد، اما سرانجام این موضوع با میانجی‌گری رفع و رجوع می‌شود. یک دختر خردسال دیگر نیز در میان ۲۹ تن آزمایش پرده بکارت داده است. وی در جریان بررسی‌هایش به این موسسه گفت که از سوی ملای محل بالای او تجاوز جنسی شده است. آمر جنایی حوزه پولیس اما «بدون در نظرداشت معیارهای پروتکل تداوی قربانیان خشونت مبتنی بر جنسیت»، وی را برای آزمایش بکارت به شفاخانه فرستاده است. این دختر خردسال از اجرای آزمایش دوباره بر وی شکایت کرده و گفته است، حس می‌کرد که گویا بار دیگر بالایش تجاوز جنسی شده است.

یک دختر ۱۲ ساله مجبور می‌شود چهار بار آزمایش دهد

برخی از این زنان گفته‌اند که پس از وارد شدن اتهام بر آنان، مجبور شده‌اند که بارها آزمایش بکارت را پشت سر بگذارند. سلیمه (اسم مستعار) که ۱۲ سال دارد، به موسسه میدیکا افغانستان گفته است که در جریان رفتن به مکتب از سوی دُکاندار محل به داخل دُکان کشانیده شده و مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرد. هرچند دُکاندار وی را به نگفتن این موضوع تهدید می‌کند، اما مادر او از تغییر رفتاری به موضوع بی‌می‌برد. با این حال،

ولایت بدخشان به دلیل داشتن معادن زیاد، منطقه جذاب برای نیروهای تروریستی و مافیای داخلی است. جنگ طالبان و تروریست‌های داخلی با دولت افغانستان واقعیت ثابت است؛ اما یک بخش این جنگ در ولایت بدخشان، جنگ معدن و کسب سود میان مافیا، دولت و طالبان است. هر چه باشد، آفت این جنگ فقط دامن مردم بومی را گرفته است. زیرا روزی نیست که این جنگ منافع انسانی از مردم محل را به زمین نزند. موجودیت حکومت ضعیف محلی، آلوده به فساد و مصروف در چپاول ثروت عمومی، بر گسترده شدن مصیبت ناشی از جنگ در بدخشان و دامنه آن هر روز می‌افزاید.

ولایت بدخشان افغانستان با سه کشور (تاجیکستان، چین و پاکستان) مرز مشترک دارد. حضور جنگ‌جویان چینی، تاجیکستانی، ازبکستانی و تروریست‌های داخلی در این ولایت، چین و تاجیکستان را نگران ساخته است. زیرا نیروهای بنیادگرای اسلامی (مخالفان مسلح) رژیم چین و تاجیکستان در داخل بدخشان حضور نظامی دارند و هر روز مخالفان‌شان را تهدید می‌کنند. ولسوالی‌های اشکاشم، شغنان، ماهی، نسی، شکی، کوف‌آب و خواهان هم مرز با تاجیکستان است. گروه طالبان که در میان‌شان اعضای گروه تروریستی انصارالله تاجیکستان، گروه اسلامی اویغور چین و جنبش اسلامی ازبکستان حضور دارند، در ولسوالی‌های نسی، کوف‌آب و چند محل دیگر مستقر هستند و ولسوالی‌های اشکاشم، ماهی و خواهان همیشه مورد تهدید این نیروها بوده است.

بر بنیاد آمارها، در حال حاضر حدود ۶۰۰ جنگ‌جوی خارجی (از کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، چین و روسیه) در کنار طالبان علیه نیروهای امنیتی افغانستان می‌جنگند. این جنگ‌جویان در ولسوالی‌های جرم، راغستان، وردوج و نسی مستقر هستند. بنا بر گزارش‌ها بعضی از این جنگ‌جویان خارجی به زور و تهدید از مردم محل زن گرفته‌اند و در استخراج معادن راغستان و مناطق دیگر نیز سهم دارند.

به گفته منابع امنیتی بدخشان، گروه‌های تروریستی خارجی، متشکل از گروه انصارالله تاجیکستان، جنبش اسلامی ترکستان شرقی چین، جنبش اسلامی ازبکستان، و گروه اویغور چینی است. بیش‌تر این جنگ‌جویان، اعضای گروه شکست‌خورده شاخه القاعده در شمال سوریه بوده که بعد از تلفات و شکست‌های سنگین به افغانستان آمده‌اند. حضور اعضای تمام این گروه‌های تروریستی در تمام جنگ‌های بدخشان و به خاک و خون کشاندن مردم بی‌گناه، همیشه برجسته بوده است. چندی‌سال قبل مسوولان امنیتی کشور اعلام کردند که مصطفی نومی، فرد شماره دوم گروه موسوم به ترکستان شرقی و یک عضو دیگر این گروه در علمیات نیروهای امنیتی افغانستان در ولایت

جنگ بدخشان

ونگرانه کنتورها همسایه



حبیب مهدزاده

بدخشان کشته شده‌اند. اما فضای مناسب بدخشان برای زنده‌گی آنان، سهولت در استخراج معادن برای کسب درآمد، موجودیت حکومت محلی ضعیف و فاسد و دیگر سهولت‌های جنگی و زیستی، سبب شده است این گروه‌ها بدخشان را محل امن و میدان رزم خویش انتخاب کنند.



سرانجام این گروه‌های تروریستی نامشخص است؛ اما از زمان تأسیس تاکنون منظور و اهداف تمام جنگ‌جویان خارجی در بدخشان و دیگر ولایت‌های افغانستان بازکردن یک دهلیز از مرزهای بدخشان به سمت تاجیکستان، ازبکستان و چین بوده است و بعد از آن آزادسازی کشورهایی از نظر آنان اشغال شده و به تعقیب آن تطبیق کامل شریعت اسلامی و از میان بردن «کفر و الحاد». دلیل حضور و استقرار تروریستان خارجی در ولایت بدخشان، موجودیت حکومت‌های آسیای میانه و چین گفته شده است. برای همین جنگ‌جویان خارجی به دنبال حاکم شدن بر ولسوالی‌های مرزی ولایت بدخشان هستند تا از آن‌جا به کشورهای هم‌مرز با افغانستان حمله کنند.

گروه انصارالله تاجیکستان در ولسوالی‌های راغ و نسی درواز با طالبان هم‌کاری و فعالیت دارد. در میان طالبان و جنگ طالبان با دولت، خون‌ریزترین آدم‌های جنگی، متعلق به این گروه‌ها هستند. در حمله چند هفته قبل طالبان بر مرکز ولسوالی ماهی (درواز بالا) تاجیکستانی‌های متعلق به گروه انصارالله پیش‌قدم بودند و احتمالاً حکم کشتار فجیعانه همه سربازان و

۶۶

ولایت بدخشان به دلیل داشتن معادن زیاد، منطقه جذاب برای نیروهای تروریستی و مافیای داخلی است. جنگ طالبان و تروریست‌های داخلی با دولت افغانستان واقعیت ثابت است؛ اما یک بخش این جنگ در ولایت بدخشان، جنگ معدن و کسب سود میان مافیا، دولت و طالبان است. هر چه باشد، آفت این جنگ فقط دامن مردم بومی را گرفته است. زیرا روزی نیست که این جنگ منافع انسانی از مردم محل را به زمین نزند.

اسیران را آنان صادر کرده‌اند.

جنگ‌جویان خارجی که در افغانستان فعالیت جنگی دارند، در کشورهای خودشان اجازه فعالیت ندارند و بخشی از آنان در لیست سیاه ایالات متحده آمریکا نیز شامل هستند. بر اساس توافق و تعهد میان ایالات متحده آمریکا و طالبان، گروه طالبان متعهد شده بود که رابطه‌اش را به طور کامل با گروه‌های هراس‌افکن از جمله القاعده، قطع کند. اما جنگ بدخشان، جنگ مشترک طالبان، گروه انصارالله تاجیکستان، اویغورهای چین و جنبش اسلامی ازبکستان در برابر نیروهای امنیتی و مردم افغانستان است. به عبارت بهتر، فعالیت و جنگ گروه‌های تروریستی و طالبان در برابر نیروهای امنیتی یک‌سان و برابر است. طالبان در بدخشان نه تنها با این گروه‌ها هم‌کاری و از آنان تعاون دریافت می‌کنند؛ بلکه در یک صف و یک سنگر واحد علیه نیروهای امنیتی و مردم عام می‌جنگند. این نشان می‌دهد که گروه طالبان پایبند به توافق دوحه با آمریکا نیست. طالبان رابطه‌شان را با گروه تروریستی القاعده و دیگر تروریستان خارجی مستقر در افغانستان قطع نکرده اند. در اغلب جنگ‌های طالبان، نیروهای

تروریستی خارجی هم‌کار آنان هستند و یک‌دیگر را کمک همه‌جانبه می‌کنند.

ولایت بدخشان سرشار از معادن لعل و طلا است. اکنون این قلمرو کوهستانی پناه‌گاه پر درآمد برای طالبان و دیگر جنگ‌جویان خارجی است. یکی از دلایل انتخاب شدن بدخشان به عنوان میدان نبرد، منابع بزرگ عایداتی این ولایت برای طالبان است. البته در این راه طالبان تنها نیستند. استخراج و استحصال معادن و فروش آن با هم‌کاری مشترک طالبان و زورمندان داخلی میسر می‌شود. در جریان سال‌ها جنگ و خون‌ریزی در بدخشان و به تاراج رفتن معادن این ولایت؛ نه دولت، نه نماینده‌گان و رهبران پر ادعای برخاسته از بدخشان - هیچ یک دست بدخشان را نگرفتند. آنان نه تنها کاری نکرده که چه بسا عده‌ای با طالبان هم‌کاری داشته‌اند و برای این گروه امکانات لازم نیز فراهم می‌کنند.

معدن طلای ولسوالی راغستان، یکی از بزرگ‌ترین معادن طلا در افغانستان برآورد شده است. وزارت معدن افغانستان چند سال قبل استخراج این معدن را به یک شرکت ترکی واگذار کرده بود؛ اما این شرکت به دلیل ادامه ناامنی در بخش‌های مختلف بدخشان، قادر به استخراج این معدن نشد. اکنون این معدن در کنترل طالبان و مافیای داخلی است.

در دوره حکومت وحدت ملی، برای رفع نگرانی از بابت موجودیت تروریستان داخلی و خارجی در ولایت بدخشان، از چین، همسایه شرقی افغانستان خواسته شده بود که برای یک لوی کوهستانی ارتش افغانستان در ولایت بدخشان (در قسمت مرزهای دو کشور) تجهیزات نظامی فراهم کند. دولت چین در همان زمان برای این کار، اعلام آمادگی کرد و از آن زمان تاکنون فعالیت‌هایی را در بدخشان انجام داده است؛ اما ظاهراً تلاش و کمک چین و ارتش افغانستان نتوانسته‌اند وضع امنیتی بدخشان را قناعت‌بخش بسازند. نه تنها این مهم به دست نیامده است؛ بلکه اکنون طالبان هر روز محله‌ای را در بدخشان به تصرف خویش در می‌آورند.

سال‌ها قبل هم‌زمان با خراب شدن اوضاع در ولایت بدخشان، چین و تاجیکستان در مرزهای دو کشور با افغانستان، رزمایش نظامی انجام داده بودند. این رزمایش مشترک ضد تروریستی در منطقه مرزی اشکاشم، در ولایت خودمختار کوهستان بدخشان در شرق تاجیکستان، انجام شد. اما بعد از آن رزمایش طالبان مناطق زیادی را در بدخشان اشغال کرده‌اند. طالبان اکنون در بن گوش تاجیکستان و چین سیده‌اند.

چرا طالبان آتش بس نمی‌کنند؟



هاشم وحدتیاریار

امریکایی باید ۱۴ ماه پس از زمان امضای این توافق از افغانستان بیرون شوند. طالبان فکر می‌کنند که بیروز جنگ هستند. از این رو به این باور رسیده که به هدف دومی نزدیک شده‌اند. حال اگر طالبان آتش بس کنند، از این دو هدف دور می‌شوند.

۴- طالبان می‌خواهند در بدل آتش بس به امتیازات بزرگ برسند. طالبان با ادامه جنگ می‌خواهند در میز مذاکرات امتیاز زیادی به دست بیاورند. طالبان زمانی به آتش بس تن خواهند داد که حکومت افغانستان شرایط سنگین آنان را قبول کند. این شرایط شامل رهاساختن ۷۰۰۰ زندانی این گروه، تشکیل حکومت موقت و از رهگذر آن برپایی حکومت مورد نظر طالبان در افغانستان است. اعضای دفتر سیاسی طالبان در یک ملاقات با مبصران افغان در واشنگتن گفتند که اگر طالبان آتش بس کنند، اداره کابل (حکومت افغانستان) به کارش ادامه خواهد داد و پروسه صلح را جدی نخواهد گرفت.

جنگ تنها وسیله طالبان برای رسیدن به قدرت است. این گروه اگر این وسیله را با برقراری آتش بس از دست دهد، اهرم فشار دیگری ندارد که به وسیله آن در میز مذاکرات امتیاز بگیرد. چنین محاسبه‌ای اشتباه است. آتش بس سراسری خواست اساسی مردم افغانستان است. تا زمانی که طالبان آتش بس نکنند، با تنفر مردم روبه‌رو خواهند بود.



ملاقات رهبران سیاسی طالبان با مبصران افغان در واشنگتن، آمریکا

ادامه دادند و ۴۰ تن از نیروهای امنیتی را کشتند. حال نیز اگر طالبان آتش بس کنند، بعضی از عناصر این گروه جنگ‌شان را ادامه خواهند داد و این به اعتبار طالبان صدمه می‌زند.

حملات اخیر داعش در کابل، شک و تردیدهایی را به وجود آورده است. شهروندان کشور به این باور هستند که اگر حملات داعش تداوم پیدا کند، افغانستان به صلح پایدار نخواهد رسید.

۳- آتش بس باعث می‌شود طالبان از اهداف‌شان دور شوند. طالبان دو هدف دارند. نخست، بیرون‌راندن تمام نیروهای بین‌المللی از افغانستان. دوم، بازگشت به قدرت. بر اساس توافق طالبان با آمریکا، نیروهای

کنار آمدن با اعضای دفتر سیاسی طالبان در قطر دشوار نیست. آنان به این باور اند که اگر امریکایی‌ها از افغانستان بیرون هم شوند، بدون هم‌کاری جامعه جهانی هیچ دولتی در کابل دوام نمی‌آورد. اما فرماندهان طالبان در افغانستان به این باور هستند که بعد از بیرون شدن نیروهای امریکایی از افغانستان، آنان حکومت کنونی را از بین خواهند برد و به قدرت خواهند رسید.

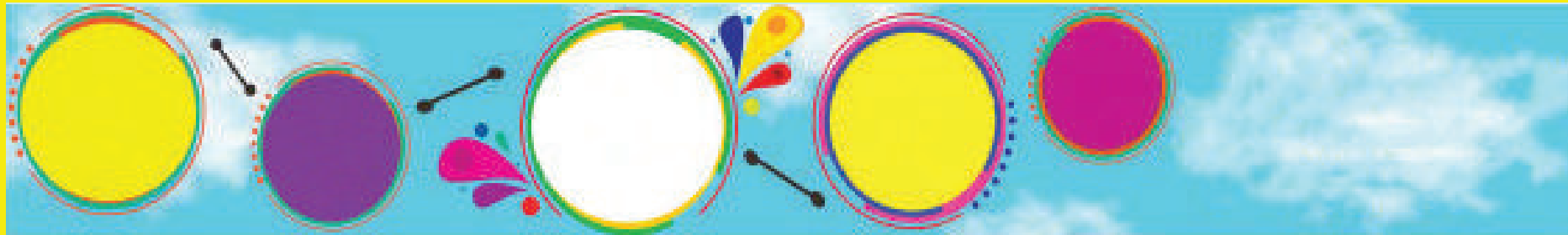
در ماه می سال جاری میلادی، با وصف آن که طالبان برای سه روز آتش بس اعلام کردند؛ اما بعضی از عناصر این گروه حملات‌شان را متوقف نکردند و ۱۴ تن از نیروهای امنیتی را کشتند. این بار نخست نبود، در ماه جون ۲۰۱۸ که طالبان برای نخستین بار آتش بس کردند نیز تعدادی از جنگ‌جویان این گروه به جنگ‌شان

در جریان هفته گذشته دو اتفاق مهم در گفت‌وگوهای صلح رخ داد. نخست، هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت افغانستان و گروه طالبان روی طرز‌العمل مذاکرات توافق کردند. دوم، کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی به کارش آغاز کرد.

با وصف این دو پیش‌رفت مهم در گفت‌وگوهای صلح؛ اما هنوز هم آتش بس که خواست مردم افغانستان و جامعه جهانی است، برقرار نشده است. حال پرسش اساسی این است که چرا طالبان آتش بس نمی‌کنند؟ این‌جا چهار دلیل وجود دارد:

۱- گروه طالبان جنگ‌جویان خود را از دست می‌دهد. در جریان آتش بس، جنگ‌جویان طالبان به دیدن شهرهای بزرگ خواهند آمد. بسیاری از این جنگ‌جویان شهرهای بزرگ کشور را ندیده‌اند. طالبان بار نخست در سال ۲۰۱۸ برای سه روز عید آتش بس اعلام کردند. گفته می‌شود که پس از آتش بس سه روزه، عده‌ای از جنگ‌جویان طالبان در شهرهای بزرگ ماندند و به میدان‌های نبرد نرفتند. حالا طالبان هراس دارند که با برقراری آتش بس مبادا جنگ‌جویان‌شان به شهرها بیایند و دیگر به میدان جنگ بر نگردند.

۲- آتش بس باعث اختلافات درونی طالبان می‌شود. ممکن است اعضای دفتر سیاسی طالبان در قطر به آتش بس تن دهند؛ اما فرماندهان‌شان در افغانستان، آتش بس را قبول ندارند و باور دارند که تنها از طریق جنگ می‌توانند افغانستان را تصرف کنند.



+ (93) 700 175 510 / + (93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

سال سیزدهم
قیمت: ۲۰ افغانی

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۴۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۴۶۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

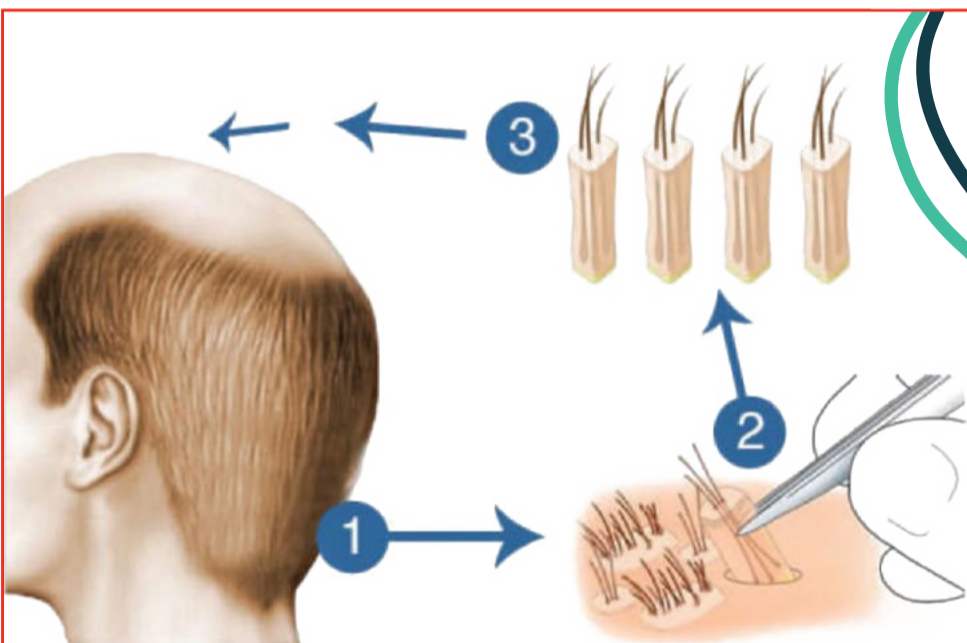
شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

• کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما



- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰ / ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر



خبرالله خیرخواه

بخش دوم

یکی از مسایل مهم در عرصه تقویت تولیدات داخلی، مقوله بازاریابی است. در این زمینه وزارت تجارت و صنایع باید بیش از پیش تلاش نماید تا بازارهای مناسبی را برای تولیدکننده‌گان داخلی در جهان ایجاد و به این ترتیب محصولات کشور را به جهان معرفی کند.

۲. حمایت از تولیدات داخلی

خوشبختانه در افغانستان طی دو دهه است که اساس صنعت از نو گذاشته شده است. محصولات خوب و با کیفیتی در داخل کشور تولید می‌شود که از هر لحاظ قابل اعتماد است و توان رقابت با فرآورده‌های خارجی را دارد. لازم است این محصولات مورد حمایت حکومت قرار گیرد و مردم بیش‌تر از تولیدات داخلی استفاده کنند.

۱-۲. حمایت دولت از تولیدات داخلی

امروز پیش‌رفت صنایع یکی از شاخص‌های اساسی انکشاف و تکامل در جهان مدرن محسوب می‌شود و اندازه پیش‌رفت آن جایگاه هر کشور را در شمار کشورهای توسعه‌یافته جهان تثبیت می‌کند. درصدی سهم صنایع در تولید ناخالص داخلی یکی از شاخص‌های سنجش آن است. باید تذکر داد که جریان انکشاف صنایع مانند هر پدیده دیگر از یک نقطه آغاز شده و به شکل تدریجی پروسه تکامل را پیموده است. این انکشاف توسط دولت‌ها بر اساس سیاست‌های اقتصادی، در چوکات سیاست صنعتی و در مراحل معین توأم با سیاست‌های حمایتی (مجموعه تدابیری است که دولت برای حمایت از تولیدات داخلی در مقابل رقابت محصولات خارجی در پیش می‌گیرد)، انجام شده است.

حمایت یا عدم حمایت از تولیدات داخلی در مقابل واردات، یکی از جنجالی‌ترین بحث‌ها در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی است. از لحاظ نظری، هرگونه برنامه‌ریزی از طرف دولت برای حمایت از صنایع نوپا در چارچوب

اقتصاد آزاد موجه نیست و باعث کاهش رقابت در عرصه تجارت می‌شود. این استدلال تا حدود زیادی موجه و قابل دفاع است؛ چون به هر اندازه که نقش دولت در اقتصاد بیش‌تر شود، به همان اندازه زمینه برای سوءمدیریت و فساد افزایش می‌یابد.

اما مسأله مهم، رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی است که نیازمند مداخله هدف‌مند دولت و مبتنی بر تحلیل مصرف - فایده است. در طول تاریخ توسعه، هیچ اقتصادی را نمی‌توان یافت که بدون حمایت دولت از تولیدات داخلی رشد کرده باشد. در تمامی اقتصادهای مدرن امروزی، دولت‌ها نقش برجسته‌ای را در مدیریت و برنامه‌ریزی برای رشد بر عهده داشته‌اند.

نمونه‌های رشد اقتصادی و تجارب کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای رده اول جهان سوم نشان می‌دهد که بدون نظارت، حمایت و تشویق دولت و امکانات رشد، توسعه‌ی صنایع داخلی میسر نیست؛ یعنی دولت باید نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای را در جهت توسعه صنعتی کشور ایفا کند. بعد از آمدن حکومت انتقالی در سال ۲۰۰۱ و حضور نظامی و کمک‌های هنگفت بین‌المللی، افغانستان فرصت عمران و بازسازی مجدد را پیدا کرد که از ۲۰۰۲ تاکنون در کنار سرمایه‌گذاری‌های دولتی و نهادهای بین‌المللی، موسسات و شرکت‌های زیادی در پارک‌های صنعتی ولایات و مرکز به سرمایه خصوصی احیا و یا جدیداً ایجاد شده است و سرمایه‌گذاران زیادی جواز فعالیت را از اداره حمایت از سرمایه‌گذاری (آیسا) حاصل کردند.

اما تجارت لجام‌گسیخته افغانستان، نبود زیربناهای لازم و عدم حمایت و تشویق دولت از صنایع داخلی، کشور را به مارکیت محصولات کم‌کیفیت استهلاکی و تجملی کشورهای همسایه، مخصوصاً پاکستان، ایران و چین مبدل و ضربات کمرشکن را بر پیکر صنایع نوپای کشور وارد کرده است. در نتیجه، بسیاری از شرکت‌های ایجادشده طی ده سال گذشته، متوقف و یا ورشکست

اقتصاد افغانستان؛

راهکارهای خودکفایی

شدند.

بدون شک انتظار از دولت افغانستان این نیست که تمامی تولیدات داخلی را مورد حمایت قرار دهد. بلکه دولت می‌تواند آن عده از سرمایه‌گذاری‌ها و صنایع را مورد حمایت قرار دهد که تولید آن‌ها در داخل از لحاظ اقتصادی مفید است و امید آن وجود دارد که در آینده بتوانند با تولیدات بیرونی رقابت کنند.

تشخیص مزیت‌های نسبی در عرصه تولید و تجارت و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از این تولیدات، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های دولت را تشکیل می‌دهد. طوری که اشاره شد، در سال‌هایی که گذشت به دلیل عدم حمایت دولت از تولیدات داخلی، صنایع متوسط و کوچک زیادی ورشکسته شدند. اما بعد از ۲۰۲۰ تجدید نظر دولت در مورد این سیاست، یک امر ضروری پنداشته می‌شود و انتظار بر این است که دولت این مسوولیت را به خوبی انجام دهد.

از نگاه قانون اساسی کشور، این موضوع نیز جزئی از مسوولیت‌های دولت است. ماده سیزدهم قانون اساسی کشور در زمینه حمایت و تشویق صنایع داخلی کاملاً صراحت دارد: «دولت برای انکشاف، رشد تولید، ارتقای سطح زنده‌گی مردم و حمایت از فعالیت‌های پیشه‌وران، برنامه‌های موثر را طرح و تطبیق می‌نماید».

بنابراین، برنامه مهمی که در حال حاضر می‌تواند تولیدات داخلی را افزایش دهد و صنایع نوزاد را شکوفا سازد، تطبیق سیاست‌های حمایتی دولت است. مثلاً دولت می‌تواند برخی معافیت‌های مالیاتی را برای تولیدات داخلی قابل شود و مواد خام وارداتی مورد نیاز صنایع داخلی را از پرداخت محصول و سایر عوارض گمرکی معاف سازد و به همین ترتیب موانع ترانزیتی را از برابر اقلام صادراتی در حد ممکن کاهش دهد. هم‌چنان دولت به منظور حمایت از تولید داخلی می‌تواند برای تأمین کالاهای مورد ضرورت ارگان‌های مربوطه خویش به

خرید تولیدات داخلی اولویت دهد و از طریق رسانه‌ها به نفع تولید ملی تبلیغات موثر کند. اگر صنایع کشور مورد حمایت و تشویق دولت قرار نگیرد، صنعتی‌شدن کشور بسیار بعید به نظر می‌رسد. زیرا در سال جاری به دلیل شیوع ویروس کرونا و ادامه چالش‌های امنیتی و سیاسی، درصدی سهم صنایع در تولید ناخالص داخلی که یکی از شاخص‌های سنجش انکشاف اقتصادی است، نسبت به سال قبل بسیار کاهش یافته و ناچیز است.

۲-۲. حمایت مردم از تولیدات داخلی

مصرف تولیدات داخلی از سوی مردم به معنای استقبال و حمایت از این تولیدات است. استفاده از تولیدات داخلی وظیفه جمعی است و تا جایی که بدیل وجود داشته باشد، نباید به کالاهای خارجی اجازه ورود به کشور داده شود. با این همه، اعتمادسازی برای تولیدات داخلی شرط اساسی محسوب می‌شود. متأسفانه تا هنوز آن‌چنانی که باید، اعتماد میان شهروندان و تولیدکننده‌گان داخلی شکل نگرفته است. هم‌چنان در این زمینه هیچ‌گونه اقدامی که بتواند موثر واقع شود، روی دست گرفته نشده است. به این ترتیب، در این زمینه نیز توجه و راهکارهای مفید جست‌وجو شود.

گسترش سرمایه‌گذاری‌ها و تأکید بر حمایت مردم و دولت از تولیدات داخلی به معنای تلاش همه‌گانی در راستای خودکفایی اقتصادی است. این امر زمینه کار را به طور گسترده در کشور فراهم خواهد کرد.

در یک محاسبه کلی، انتظار این است که کارخانه‌داران با بلندبردن کیفیت تولیدات خود، دولت با حمایت‌های مادی و معنوی و مردم با مصرف این کالاها، زمینه رشد تولیدات داخلی و صنایع ملی را فراهم سازند، تا افغانستان به خودکفایی و توسعه اقتصادی دست یابد؛ آرزویی که هر شهروند کشور دارد و در راستای تحقق آن به صورت شایسته باید تلاش شود.

ادامه دارد...



زینب احمدی، دانشجوی سال چهارم دانشکده

اداره و پالیسی عامه دانشگاه کابل

برهم بود و یارای پاسخ‌دادن به زنگ گوشی را نداشتم. یک زنگ، دو زنگ، سه زنگ، ۱۰۰ زنگ... ترسیده بودم که برخیزم و گلوله‌ای مرا نشانه بگیرد. دو ساعت روی زمین خوابیدم و چون مرده‌ها تکانی نخوردم، حتا نفس هم نمی‌کشیدم.

پس از گذشت دو ساعت، صدای نیروهای امنیتی را شنیدم که می‌گفتند برای نجات دانش‌جویان آمده‌اند. با شنیدن صدای نیروهای امنیتی، کوله‌پشتی‌ام را باز کردم و به تماس پدر پاسخ دادم. با شنیدن صدای پدر، گریه‌ام دو برابر شد. برایش گفتم: «بابا، بابا، سر صنف ما حمله شده و هم‌صنف‌های ما ره کشندند». پدر که صدایش گرفته بود، گفت: «ترس دخترم، پولیس همه را نجات می‌دهد». چه فرقی می‌کرد زنده‌بودن و نجات‌یافتن، وقتی روح از جان هم‌صنفی‌هایم گرفته شده بود. از پدر پرسیدم که مادر خبر دارد یا نه؟ پیش از آن که پاسخی بدهد، گفتم: دوست‌تان دارم و مواظب خودتان باشید. گوشی قطع شد.

همه ساکت بودند. صدای استاد فواد را شنیدم که می‌گفت: «یکی تلفنم را بدهد». من که زیر چشمی همه‌جا را زیر نظر داشتم، فکر می‌کردم همه شبیه من و هیلی برای فریب مهاجم خوابیده‌اند؛ اما نه، نه، این طور نبود. همه رفته بودند به خواب ناخواسته و ابدی.

استاد فواد هم‌چنان تقلا می‌کرد. یکی از بچه‌های صنف در ادامه تقلا می‌کرد استاد فواد ایستاده شد و گفت: «بلند شوید که نیروهای امنیتی آمده‌اند». بلند شدیم؛ اما نه همه. فقط سه نفر. وقتی به پایین نگاه کردم، دیدم که نصف سر یکی از دختران صنف نیست. نشناختمش که بود. دیدم که رووف نیز به خون خفته و چشم‌هایش روی هم آرام گرفته است.

پس از چندین ساعت ماندن در میان پیکرهای زخمی هم‌صنفانم، نیروهای امنیتی از دانشگاه بیرون‌مان کردند. تا شام مدام استفراغ می‌کردم و از خود بی‌خود می‌شدم. ساعت هفت شام جرأت کردم تلفنم را روشن کنم. در گروه واتس‌آپ صنف‌مان خواندم که ۱۴ تن از بهترین دوستانم کشته شده‌اند. ضعف کردم و دوباره مرا بردند به شفاخانه. تا این دم که بیش از چهل روز از آن روز سیاه و خونین گذشته است، باورم نمی‌شود که همه را از دست داده‌ام. هر صبح برای هم‌صنفی‌هایم قصه می‌بافم و در قصه‌ها نجات‌شان می‌دهم از یک مرگ مغموم. رووف را، حنیفه را، داوود را، حسنا را... همه‌شان را.

خود را به مردن زده بودم، درحالی که خون و گوشت هم‌صنفانم به صورتم می‌پاشید

خندیدیم و بعد پا گذاشتیم به دروازه دانشکده، کاش نرفته بودیم. وقتی وارد صنف درسی شدم، دیدم همه دخترها گردم حلقه زده‌اند و از هر دری سخن می‌گویند. به حسنا که رسیدم، دستش را گرفتم. دستان حسنا آن روز گرم‌تر از دیگر روزها بود. او دختری بود خوش‌ذوق و باسلیقه. دست‌هایش را چند ثانیه‌ای در میان دستانم گرفتم. مریم که در رفاقت‌پیشه‌گی سرآمد روزگار بود، با خنده گفت: «پس کو دست‌های یخ خوده از دستش او دختر، بخاری که نیست». دستان حسنا را رها کردم و از صنف درسی بیرون رفتم. کاش آن روز دستان حسنا را رها نکرده بودم، کاش.

زیر نور خورشید با سارا، حنیفه و شکیلا گرم قصه بودیم. سارا از خوابی که دیده بود، برای‌مان تعریف می‌کرد. شب پیش از حادثه خواب دیده بود که چادر سفید به‌سر کرده است. لب‌خند زودگذری زدم و گفتم صبر، خوابت را تعبیر می‌کنم. برایش گفتم: «بی‌شک ولا، به‌زودی عروس می‌شوی دختر خوشگل. با تعبیر خواب من همه خندیدند». هنوز خنده‌های‌مان ادامه داشت که هیلی از راه رسید. هیلی نقطه وصل تیم ما بود. با پیوستن او به تیم، داخل صنف درسی رفتم.

وقتی وارد صنف درسی شدم، همه چوکی‌ها پر شده بود. کیفم را پرت کردم به چوکی که راهد (یکی از قربانیان حمله به دانشگاه کابل) همیشه آن‌جا می‌نشست. پس از پرت‌کردن کیفم روی چوکی، از هیلی خواستم کنارم بیاید. هیلی با بی‌میلی گفت که دوست دارد امروز در قطار آخر بنشیند. رفتم به طرف سهیلا. سهیلا آن روز چادر سرخ به سر داشت و طناز‌تر از دیگر روزهای سال به نظر می‌رسید. از او خواستم جای‌مان را خالی کند. سهیلا گفت: «امروز دوست دارم این‌جا بشینم». وقتی دیدم سهیلا دوست ندارد، جای‌مان را خالی کند، با هیلی رفتم آخر صنف. بیست دقیقه نگذشته بود که همه سر صنف حاضر شدند. آخرین نفر ادیس بود که وارد صنف شد. با خنده به من گفت: «چه شده زینبی، تو خو بچه بودی، چرا جای خوده ایلا کدی؟» من که همیشه حاضر جواب بودم، گفتم: «از بچه‌بودن استعفا دادم. هیچ خوشم نامد جای‌تان.» همه خندیدند و خندیدند. کاش آن خنده‌ها، خنده‌های آخرمان نبود.

با ورود استاد فواد به صنف، همه ساکت شدند. استاد پس از سلام، شروع کرد به ادامه درس روز گذشته. تازه درس آغاز شده بود که صدای شلیک گلوله به گوش‌مان رسید. استاد در نخستین اقدام برای ما گفت که پنجره‌ها را باز

من و هیلی خود را به مردن زدیم، حتا نفس نمی‌کشیدیم. لحظات وحشتناکی بود؛ از یک سو صدای پی‌هم زنگ‌های تلفن و از سوی دیگر ناله‌های هم‌صنفی‌های زخمی‌مان به گوش می‌رسید، بوی خون به مشام ما می‌خورد و تکه‌های گوشت به صورت‌مان می‌پاشید. وقتی صدای شلیک آرام شد، سرم را کمی بالا کردم، دیدم که نصف سر یکی از دختران صنف نیست. نشناختمش که بود. دیدم که رووف نیز به خون خفته و چشم‌هایش بسته شده است. داوود از گردنش خون فواره می‌زد، خیلی زود خاموش شد، فکر کنم خون زیادی از او ضایع شده بود. نیروهای امنیتی آمدند، گفتند که برخیزید، فقط سه نفر توانستیم بلند شویم، دیگران همه مرده بودند. در آن روز سیاه، ۱۴ دوست عزیز را از دست دادم، هنوز روزها را می‌شمارم؛ اما گذر از آن روزها از داغش نمی‌کاهد که نمی‌کاهد.

امروز، مثل روزهای قبل وقتی از خواب بیدار شدم، به ساعت دیواری اتاقم نگاه کردم و بعد به تقویمی که روی میز کارم قرار داشت. امروز نیز مثل روزهای قبل، روزشماری را آغاز کردم. دوازدهم عقرب، سیزدهم، چهاردهم و... رسیدم به چهل‌ودوم. در روز چهل‌ودوم نفسم بند آمد. از آن روز شوم، از آن روز سیاه، چهل‌ودو روز گذشته است. روزی که چهارده تن از هم‌قطاران، هم‌نفسان و یاران هم‌دل‌م کشته شدند. دوازدهم عقرب، روزی که مثل دیگر روزهای سال نبود. روزی نحس و روز وداع نابه‌هنگام.

در آن روز خونین، بیش‌تر از روزهای قبل به خود رسیده‌گی کرده بودم. لباس دل‌خواهم را پوشیدم و لب‌سیرین کم‌رنگی به لب‌هایم کشیدم. در آن روز تصمیم گرفته بودیم، برویم به شیرینی‌خوردن: «شیرینی سوم نمره‌گی من»

رووف، بهترین دوست و هم‌صنفی‌ام وعده سپرده بود که من و هیلی (هم‌صنفی‌ام) را به غذای چاشت دعوت می‌کند. تصمیم بر آن بود که برویم به یکی از رستوران‌های نزدیک دانشگاه. زمانی که به دانشگاه رسیدم، دیدم که رووف با بقیه بچه‌ها در یک کنج آفتابی نشسته‌اند و می‌خندند. از دور به همه سلام کردم. رووف که در رفاقت، درستی و راستی از همه یک سر و گردن بالاتر داشت، خندید و گفت: «زینبی خواهر، خوشگل شدی. پسان‌تر می‌رویم چکر»

او از رفتار و گفتارم خوشش می‌آمد و چون خواهر خونی‌اش مواظبم بود. حدود نیم دقیقه قصه کردیم و



عبدالحمید حسینی

معلومات اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در اداره امور ریاست جمهوری نشان می‌دهد که تاکنون حدود ۳۰ هزار و ۵۰۰ مقام بلندپایه دولتی دارایی خود را ثبت کرده‌اند. مسوولان این اداره تصریح کردند که این روند ادامه دارد؛ اما هنوز شماری از مقام‌های حکومت و اعضای مجلس نماینده‌گان دارایی‌هایشان را ثبت و اشاعه نکرده‌اند. طبق معلومات این اداره، در حال حاضر معاش و امتیازات ۴۰۰ مقام دولتی به شمول اعضای مجلس نماینده‌گان تعلیق شده است. دلیل این کار، ثبت‌نشدن دارایی‌های این افراد عنوان شده است. پیش از این نیز اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها معاش و امتیازات دو وزیر، چهار والی و ۱۸۴ عضو مجلس را تعلیق کرده بود. از سوی دیگر، مسوولان اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها خاطر نشان می‌کنند که شماری از مقام‌های دولتی که در هنگام ثبت دارایی‌هایشان معلومات را نادرست ثبت کرده‌اند، براساس قانون به دادستانی کل معرفی می‌شوند.

با وجودی که کابینه بارها از مقام‌های دولتی خواسته است که دارایی‌هایشان را در وقت معین آن ثبت کنند، هنوز هم شمار زیادی از مقام‌های واجد شرایط، دارایی‌هایشان را ثبت نکرده‌اند. عبدالودود بشریاری، رییس اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها روز دوشنبه، بیست و چهارم قوس به روزنامه ۸ صبح گفت که تاکنون ۴۰۰ مقام دولتی به شمول ۲۹ عضو مجلس دارایی‌هایشان را در این اداره ثبت نکرده‌اند. این در حالی است که محمد اشرف غنی، رییس جمهور کشور پیش از نشست ژنو گفته بود، تا زمانی که نماینده‌گان مجلس و مقام‌های ارشد دولتی دارایی‌هایشان را ثبت نکنند، اجازه سفر به خارج از کشور را ندارند. با آن هم دیده می‌شود که چنین هشدارهایی کارساز نبوده است و هنوز هم شمار زیادی از مقام‌ها در ثبت دارایی‌هایشان تعلل می‌ورزند. براساس معلومات این اداره، عبدالشکور واقف حکیمی، حاجت‌الله خردمند، رحیم علی‌یار، محمدعالم ساعی، باتور دوستم، حشمت‌الله آرمان، بلقیس روشن، میردادخان نجری، عبدالمنیر ترخیل، شاه‌پور حسن‌زی، محمدآصف نبی‌زی، عبدالرشید عزیززی، شکوفه نوری، نصیب مقبل،



معاشات بیش از ۴۰۰ مقام دولتی تعلیق شد

معلومات اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در اداره امور ریاست جمهوری نشان می‌دهد که تاکنون حدود ۳۰ هزار و ۵۰۰ مقام بلندپایه دولتی دارایی خود را ثبت کرده‌اند. مسوولان این اداره تصریح کردند که این روند ادامه دارد؛ اما هنوز شماری از مقام‌های حکومت و اعضای مجلس نماینده‌گان دارایی‌هایشان را ثبت و اشاعه نکرده‌اند. طبق معلومات این اداره، در حال حاضر معاش و امتیازات ۴۰۰ مقام دولتی به شمول اعضای مجلس نماینده‌گان تعلیق شده است.

سیداحمد سیلاب، محمدعارف نوری، محمدصادق قادری، اسدالله شهباز، عتیق رامین، میرویس حسن‌خیل، عبدالقیوم خیرخواه، خان آغا رضایی، توفیق وحدت، حفیظ‌الله جلیلی، نعمت‌الله کریاب، غلام فاروق نظری، نیلوفر جلالی کوفی، میرامان‌الله گذر و عبدالظاهر سالنگی از جمله ۲۴۹ عضو مجلس‌اند که دارایی‌هایشان را ثبت نکرده‌اند. به همین ترتیب ۳۷۱ مقام دولتی نیز دارایی‌هایشان را ثبت نکرده‌اند. مسوولان در اداره امور ریاست جمهوری اما تصریح می‌کنند که براساس قانون، اجازه ندارند نام‌های این افراد را فاش کنند. پیش از این کابینه به مقام‌های بلندپایه دولتی سه هفته مهلت داده بود تا دارایی‌هایشان را ثبت کنند. با پایان یافتن این مهلت، شمار زیادی از مقام‌های بلندرتبه

دولتی موفق به ثبت دارایی‌هایشان شدند. شمار کسانی که در آن زمان موفق به ثبت و اشاعه دارایی‌هایشان نشده بودند، این وزارت نام آنان را همه‌گانی کرد. باری اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در یک کنفرانس خبری گفت که معاش و امتیازات دو وزیر، چهار والی و ۱۸۴ عضو مجلس نماینده‌گان را به دلیل ثبت‌نشدن دارایی‌هایشان تعلیق کرده است. این در حالی است که براساس قانون کسانی که دارایی‌هایشان را ثبت و نشر نکنند، معاش و امتیازاتشان تعلیق می‌شود. از سوی هم آخرین آماری که اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در اختیار روزنامه ۸ صبح قرار داده است، نشان می‌دهد که تاکنون ۳۰ هزار و ۵۰۰ مقام و اراکین دولتی دارایی‌هایشان را اشاعه کرده‌اند. تاکنون مشخص نیست که مقام‌های

کدام ادارات دولتی، دارایی‌هایشان را ثبت کرده‌اند. براساس قانون نظارت برتطبيق استراتژی مبارزه با فساد اداری، تمامی مقام‌های بلندرتبه دولتی چون رییس جمهور، معاونین رییس جمهور، اعضای شورای ملی، شورای ولایتی، شوراهای ولسوالی‌ها، وزیران، معاونان وزارتخانه‌ها، رییسان ادارات و کمیسیون‌های مستقل، سفیران، والی‌ها، شهردارها و معاونان آن‌ها، قضات، لوی‌سارنوالان، افسران وزارتخانه‌های دفاع و امور داخله، ولسوالان، مأموران بست‌های یک و دو و کارمندان بخش امور مالی و تدارکاتی ملکف اند که پیش از اشغال وظیفه و پس از ترک آن، همه دارایی‌هایشان را ثبت کنند. اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها ابزار امیدواری می‌کند که دیگر مقام‌هایی که دارایی‌هایشان را ثبت نکرده‌اند، نیز به این جمع بپیوندند.

از سویی هم، اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها تصریح می‌کند که اگر در هنگام خانه‌پری فورم دارایی‌ها از سوی یک مقام، معلومات غلط و نادرست درج شود، در مرحله اول معاش و امتیازات این فرد قطع می‌شود و در مرحله بعدی به نهادهای عدلی و قضایی معرفی خواهد شد. طبق گفته‌های عبدالودود بشریاری، رییس اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها برخی از مقام‌های دولتی فورم دارایی‌هایشان را خلاف واقعیت پر کرده‌اند. هرچند او نامی از این افراد نبرد؛ اما بیان کرد که به‌زودی آن‌ها را به دادستانی معرفی می‌کند. گفتنی است که تاکنون بیش از ۶۰ هزار فورم ثبت دارایی بخش شده است. فورم ثبت دارایی‌ها دارای ۱۱ صفحه است. در این صفحه‌ها مشخصات شخصی، عنوان وظیفه، تاریخچه کاری، مشخصات اعضای خانواده، دارایی‌های قابل انتقال و غیرقابل انتقال، فعالیت‌های خارج از وظیفه رسمی، عاید، قرضه و مصارف ثبت می‌شود.

روند ثبت دارایی‌ها از سال ۱۳۸۸ به این طرف برای مبارزه با فساد در افغانستان تطبیق می‌شود. اداره عالی مبارزه با فساد اداری که پیش‌تر به نام اداره عالی نظارت نیز شناخته می‌شد، برای بیش‌تر از هشت سال مرجع مسوول برای تطبیق این روند نوپا در کشور بود. حالا که تقریباً ده سال از آن می‌گذرد، دولت راه طولانی برای تطبیق این روند پیموده است و هم اکنون اداره ثبت و بررسی دارایی‌ها در چوکات اداره امور ریاست جمهوری این مسوولیت را به پیش می‌برد.

استراتژی جایگزینی واردات و ضرورت آن برای توسعه تجارت داخلی

ظریف صفا بختیاری



اولویت‌ها استفاده کنند. دوم این که دولت را مجبور به پاسخ‌گویی از عمل کرد و برنامه‌هایی که قبلاً طرح و ترتیب کرده است، می‌سازد. قابل یادآوری است که استراتژی جایگزینی واردات در اکثر مواقع از طرف افراد ارشد، مشاوران مالی و اقتصادی دولت طراحی می‌شود؛ اما موفقیت آن مستلزم استفاده درست و تعهد تمام کارمندان، افراد و شرکای کاری است. هم‌چنان وظیفه مشاوران ارشد اقتصادی و مالی این است که سایر افراد و کارمندان را از تمام ابعاد و شاخص‌های استراتژی آگاه و آنان را کمک کنند، تا بتوانند با رویکرد درست و دقیق در تطبیق استراتژی جایگزینی واردات عمل کنند. دولت به عنوان ارگان پالیسی‌ساز در کنار وظیفه‌ای که آدام اسمت تذکر داده است، نقش بارز در تطبیق و تعقیب استراتژی و پالیسی‌ها دارد. دولت می‌تواند نقش نظارت‌کننده در اجرای این استراتژی داشته باشد و به ارگان‌هایی که مسوولیت اجرایی دارند بفهماند که چگونه این برنامه و استراتژی را با تمام اهداف اساسی و فرعی آن تطبیق و به نتایج مورد نظر دست پیدا کنند.

نتیجه‌گیری

استراتژی یا راهبرد برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده در حوزه مطالعات سیاسی، اقتصادی و تجارتي در بازار از اهمیت خاص برخوردار است. استراتژی جایگزینی واردات، ارزنده‌ترین بخش فعالیت‌های بازار را جهت رشد تولیدات داخلی، تجارت داخلی، رشد و توسعه تجارت و فعالیت‌های بازار، افزایش نرخ صادرات و کاهش نرخ واردات رقم می‌زند. هم‌چنان نقش دولت به عنوان حامی این استراتژی، مهم است. دولت می‌تواند از این استراتژی به عنوان راهبرد موثر در حمایت از تولیدات داخلی، تجارت داخلی، رشد و توسعه اقتصادی و تجارتي استفاده به عمل آورد.

منبع‌ها

- عبدالرسول، بیات و دیگران (۱۳۸۷)، درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر (فرهنگ واژه‌ها)، تهران، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- علی‌جان، رحمانی یزدی (۱۳۸۸)، علل عقب‌مانده‌گی افغانستان و راه‌های بیرون‌رفت، تهران، انتشارات میراث ماندگار (با حمایت دفتر مطالعات اندیشه دینی).
- گیلیس و دیگران (۱۳۸۸)، اقتصاد توسعه، تهران، انتشارات نشر نی.
- محمدقلی، یوسفی (۱۳۹۲)، استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات نشر نی.

گمرکی اندک و تقویت تجارت داخلی در کشور می‌شود. ارتباط بین استراتژی جایگزینی واردات و توسعه تجارت داخلی تجارت به عنوان منبع اساسی برای رفع نیازمندی انسان‌ها در شرایطی که جهان با استفاده از تئوری جهانی‌سازی به یک دهکده مبدل شده است، نقش بارز دارد. کشورها برای حمایت از تجارت داخلی و خودکفایی روی پالیسی‌ها و استراتژی‌های کاربردی تمرکز می‌کنند. یکی از این استراتژی‌ها که همواره کشورها و دولت‌ها برای رسیدن به خودکفایی و تقویت تجارت داخلی استفاده می‌کنند، استراتژی جایگزینی واردات است.

افغانستان به عنوان یک کشور شکسته از نگاه اقتصادی و تجارتي، دچار مشکلات فراوان است و نتوانسته است از استراتژی جایگزینی واردات برای حمایت از صادرات به شکل قابل ملاحظه استفاده کند. هنوز هم بیش‌ترین کالاها و متاع مورد نیاز شهروندان افغانستان از بیرون مرزها و به‌ویژه از کشورهای چین، پاکستان، ایران و ترکیه تهیه می‌شود.

با وصف آن که انتقادهایی در رابطه به استراتژی جایگزینی واردات وجود دارد؛ اما این استراتژی می‌تواند برای کشورها مفید باشد. استراتژی جایگزینی واردات باعث کاهش نرخ واردات، افزایش صادرات، تقویت تجارت‌های داخلی کوچک و بزرگ، استخدام منابع بشری و بلند رفتن ارزش اقتصادی ملی می‌شود. تجربه کشورهایی که از این راهبرد استفاده کرده اند، نشان می‌دهد که راهبرد جایگزینی واردات در حمایت تجارت داخلی نقش اساسی داشته و باعث رشد و توسعه صادرات شده است.

مسوولیت دولت در حمایت از استراتژی جایگزینی واردات

آدام اسمت، پدر علم اقتصاد به این باور است که نقش دولت در توسعه‌ای که بر اساس اهداف اقتصادی تعیین شده باشد، آشکار می‌شود. او اعتقاد دارد که وظیفه دولت عبارت از وضع قوانین، تأمین آرامش و کسب درآمد مالیاتی است. استراتژی جایگزینی واردات به عنوان قانون وضع‌شده از طرف دولت، مهم‌ترین راهبرد برای حمایت و تقویت تجارت و کالاهای داخلی است. توسعه تجارت به عنوان یکی از اهداف تعیین‌شده در فرآیند توسعه تجارتي، از دو جهت حایز اهمیت است. نخست این‌که دولت و دولت‌مردان را کمک می‌کند تا از منابع محدود قابل دسترس برای اهداف تعیین‌شده و شناخت

سایر کشورها و رکود جهانی یا به عنوان یک راهبرد عمدی یا اختیاری به استراتژی جایگزینی واردات نیازمند هستند و آن‌را اتخاذ می‌کنند. استراتژی مذکور در بسا موارد به عنوان ابزار مهم برای تغییر در ساختار کل اقتصاد ملی کشورها نقش اساسی دارد. انتقادهایی در استفاده از استراتژی جایگزینی واردات نیز وجود دارد. متخصصان حوزه توسعه به این باور هستند که استفاده از این راهبرد نمی‌تواند نقش تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی و تجارتي داشته باشد. آنان علت عمده را در توسعه صنایع مصرفی می‌دانند و باورمند هستند که این راهبرد باعث می‌شود صنعت مصرفی و کالاهای رشد کند و باعث کاهش پس‌انداز کشورها شود.

توسعه تجارت

داد و ستد، انتقال مواد گوناگون از قبیل مواد اولیه، خوراکی و غیرخوراکی از شهری به شهر دیگر، قاره‌ای به قاره دیگر جهت رفع نیازمندی افراد، رشد تولیدات، توسعه اقتصاد، ایجاد مفاد و رسیدن تاجران به سود اقتصادی را تجارت می‌گویند. فلسفه وجودی تجارت رفع نیازمندی افراد جامعه است. زیرا گاهی کشورها قادر به تولید کالاهای مورد نیاز شان به دلایل مختلف نیستند و مجبور اند تا کالا و متاع مورد نیاز شان را از طریق داد و ستد داخلی و خارجی تهیه کنند.

توسعه تجارت آزاد و نظام سرمایه‌داری در قرن ۲۰، به خصوص بعد از سقوط بلوک شرق، رشد بازارهای مالی جهانی، رشد سریع شرکت‌های چند ملیتی، گسترش مراکز مالی جهانی و مهاجرت نیروی کار - همه‌گی حکایت از جهانی‌شدن اقتصاد، مسایل اقتصادی و توسعه تجارت در کشورها دارد.

در عصر جهان‌سازی که جهان به یک دهکده مبدل شده است، تجارت قسمت عمده زنده‌گی اقتصادی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. مسایل تجارت، تقریباً روی تمام پالیسی‌های تجارتي، اقتصادی و اجتماعی اثرگذار است. دولت‌های مقتدر برای رسیدن به رشد و توسعه تجارت، تلاش می‌کنند تا پالیسی‌های همه‌جانبه و پاسخ‌گو را با توجه به نیازمندی‌های بازار و کشور طراحی کنند. این پالیسی‌ها معمولاً به منظور توسعه تجارت داخلی و خارجی کشورها با در نظرداشت شاخص‌های گوناگونی که در حمایت و توانمندسازی تجارت داخلی نقش دارد، طرح و تدوین می‌شود. یکی از این شاخص‌ها که در توسعه تجارت داخلی کشورها نقش بارز دارد، حمایت از استراتژی جایگزینی واردات است که باعث تشویق صادرات با تعرفه

چکیده استراتژی یا راهبرد نه تنها در حوزه سیاست و مطالعات امنیت ملی یک کشور از ارزش خاص برخوردار است؛ بلکه نقش اساسی در سایر حوزه‌ها چون اجتماع، اقتصاد، تجارت و فعالیت‌های بازار دارد. استراتژی‌های تجارتي می‌تواند برای رونق و حمایت از داد و ستد مالی و اقتصادی در بازار نقش بارز داشته باشد. استراتژی جایگزینی واردات و حمایت از صادرات با تعرفه گمرکی، از موارد خیلی مهم در بازار به شمار می‌رود. اکثر کشورهایی که از این استراتژی استفاده کرده‌اند، به رشد صنعت داخلی، کاهش واردات، ایجاد استخدام کامل و حمایت از تجارت داخلی دست یافته‌اند. در مقاله فعلی تلاش صورت گرفته است که به صورت مفصل به مفهوم و چینی استراتژی جایگزینی واردات، توسعه تجارت، ارتباط بین استراتژی جایگزینی واردات با توسعه تجارتي و مسوولیت دولت در حمایت از استراتژی جایگزینی واردات بحث صورت گیرد.

استراتژی جایگزینی واردات

استراتژی که به فارسی راهبرد تعریف شده است، از کلمه یونانی استراتگوس که به مفهوم سرداری و سپهسالاری است، گرفته شده است. کلاوزویتس، بنیان‌گذار اصلی استراتژی در قرن نهم، آن‌را «هنر کاربرد نیروها برای دستیابی به اهداف جنگ» تعریف کرده است. امروزه که ساحه علم وسیع شده است و واژه‌ها در ابعاد مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، استراتژی نیز در ابعاد گوناگون مانند مطالعات اجتماعی، اقتصادی و بازار و توسعه تجارت کاربرد فراوان یافته است.

استراتژی در حوزه اقتصاد و توسعه تجارت به هدف کارگیری، همپاسازی منابع و امکانات جامعه، توانمندسازی و قدرت‌مندسازی مردم، فراهم کردن فرصت‌ها و امکانات، برقراری امنیت فردی و اجتماعی، ایجاد انگیزه برای مشارکت فعال مردم به منظور بلندبردن سطح رفاه جامعه، کاهش فقر و محرومیت، رفع بی‌کاری و بی‌سوادی، توسعه تجارت و حمایت از کسب‌وکار طرح و تدوین می‌شود. استراتژی جایگزینی واردات در حوزه اقتصاد و تجارت نقش بارز دارد و برای تقویت تجارت داخلی به عنوان سیاستی که در آن تولیدات داخلی جایگزین واردات بیرونی برای رفع نیازمندی مردم جامعه می‌شود، از طرف دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد. هیرشمن، کارشناس مطالعات توسعه در کتاب استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی بیان می‌دارد: «کشورها بابت تحت تأثیر رفتن عواملی مانند جنگ، کمبود کالاها، عدم توانایی جهت پرداخت قرض‌ها از

چکیده

این نوشته باور من را نسبت به طالبان بیان می‌کند. من طالبان را از زمان ایجاد آن در اوایل دهه نهم سده پیشین، با دقت دنبال کرده‌ام. برخی از هم‌کاران من در نهادهای پژوهشی و دانشگاهی کارهای ثمربخشی در مورد شناسایی این نهاد سیاسی و دینی انجام داده‌اند که از آن‌ها آموخته‌ام. نگاه من به طالبانیسم نگاه احساساتی نیست، من به این گروه به عنوان یک واقعیت تلخ نگاه کرده‌ام. من برای نوشتن این مقاله از منابع معتبر سود نجسته‌ام و تلاش کرده‌ام تا تحلیل خودم را نسبت به این گروه بیان کنم. من به ولایات مختلف افغانستان سفر کرده‌ام و با مردم دربارۀ طالبان صحبت کرده‌ام. طالبانیسم سیاه (The Black Talibanism)، نام این مقاله است که نمادی از فکر و کارکردهای طالبان در سه دهه پسین در افغانستان است. بنابراین، این نوشته از لحاظ مفهومی و ساختاری نوشته «تحلیلی و مروری» به حساب می‌آید. این نوشته آماری نیست؛ چون به خوبی می‌دانم که خواننده‌گان نیازی به نوشته‌های جدید پیرامون طالبان ندارند. من در این نوشته کوتاه نگاهم را به طالبان از دید سیاسی، ایدئولوژیک، ساختاری و سازمانی مطرح کرده‌ام.

کلیدواژه‌ها:

تیوکراسی (Theocracy)

این واژه از زبان یونانی theos به معنای خدا و kratia به معنای حکومت آمده است. در نظام تیوکراسی مرجع عالی حکومت به دست موسسه روحانیت قرار دارد. دستگاه قضایی و اداری به حکم روحانیت رهبری و اجرا می‌شود.^۱

ایدئولوژی Idialogy

ایدئولوژی از نظر ساخت لغوی، واژه‌ای است مرکب از دو جزء «ایده» و «لوژی» که ایده به معنی اندیشه، تصور، عقیده، نظر و آگاهی آمده است و لوژی به صورت پسوند – امروزه معمولاً به معنای دانش و شناسایی به کار می‌رود. اما امروزه ایدئولوژی معمولاً کاربردهای دیگری دارد که در معنای زیر بیش‌تر به کار می‌رود.

الف– ایدئولوژی به معنای عام که مرادف مکتب است و مجموعه‌ای از رهنمودهای مکتب را چه در بُعد اندیشه و چه در بخش عمل در بر می‌گیرد.

ب– ایدئولوژی به معنای خاص که تنها بخشی از مکتب را که به رفتار انسان و دستورالعمل‌ها (بایدها و نبایدها) مربوط می‌شود در بر می‌گیرد که در این صورت در برابر بخش دیگر، یعنی جهان‌بینی (اندیشه‌های بنیادی) مکتب به کار خواهد رفت.^۲

ناسیونالیسم (Nationalism)

این واژه در لغت به معنای ملی‌گرایی، وطن‌پرستی و گاه‌گاهی استقلال‌طلبی آمده است. اما این واژه در معنای اصطلاحی دو کاربرد دارد:

الف– ناسیونالیسم یعنی معتقد به یک مکتب و گرایش فکری به برتری نژاد و ملت حاکمیت آن نسبت به ملیت‌ها و نژادهای دیگر آمده است. تفکر برتری نژادی، در قرن بیستم در اروپای غربی که مظهر آن ظهور هیتلر در آلمان و موسولینی در ایتالیا بوده است.

ب– نگاه مثبت به ناسیونالیسم. این از ترکیب سه عنصر «حق آزادی ملل، حق استقلال ملل و حق حاکمیت ملت بر خود» نشأت کرده است. در این نگاه، ناسیونالیسم به معنای یک نهضت در برابر استبداد و استعمار آمده است.^۳

کیستی طالبان

گروه طالبان از دید سیاسی می‌تواند به عنوان یک جنبش سیاسی فعال تعریف شود. جنبش نهادی است که گروهی از افراد هم‌فکر را برای رسیدن به یک هدف بسیج می‌سازد. عضویت در جنبش‌ها اغلباً به خواست‌های فردی وابسته است. اما جنبش‌ها می‌توانند افراد جامعه را بنا به دلایل گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به خود جلب و آنان را استخدام کنند. طالبان از دید ساختاری یک نهاد منسجم است که با هدف و برنامه‌های هماهنگ فعالیت دارد. هماهنگی درونی جنبش طالبانی گاه‌گاهی به هم خورده است؛ اما این نهاد از هم نپاشیده است. گروهی از اعضای این جنبش بر بنیاد باورهای دینی جذب شده‌اند و گروهی از سوی حامیان طالبان در این جنبش استخدام شده‌اند. هدف طالبان را که بر بنیاد انگیزه‌های دینی و تفسیر تندروانه از اسلام شکل گرفته است «بجاد و پاس‌داری از دولت (امارت) اسلامی با نگاه سنتی و بنیادگرایانه» شکل می‌دهد. این‌جا منظور از بنیادگرایی روی کرد تاریخی و دُغم دارد که هرگونه دگرگونی و نواندیشی را در دین اسلام مردود می‌شمارد. از این‌رو گروه طالبان یکی از نادر نهادهای سیاسی در جهان است که ارتجاعی‌ترین نگاه به دین دارد و با تفسیرهای جدید از الهیات‌شناسان، فیلسوفان، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان مخالفت کامل دارد. طالبان نواندیشی دینی را ارتداد می‌پندارند و عاملان این گرایش را واجب‌القتل می‌شناسند. طالبان دارای تجربه مدیریت قدرت سیاسی هستند. این گروه، بودن در حاکمیت و برون از آن‌را تجربه کرده و می‌توان گفت به پخته‌گی نسبی سیاسی رسیده است. گروه‌های دیگر اسلامی و سایر ادیان وجود دارند که نگاه شییه با طالبان نسبت به دین دارند؛ اما هیچ نهاد نتوانسته است حاکمیت سیاسی را در یک کشور و یا سرزمین به دست

سیاه طالبانیسم

دکترور ملک ستیز

طالبان به خوبی می‌دانند که صلح فر اگیر و باثبات به ضرر آن‌ها است. جنگ منبع اصلی پیدایش و حضور طالبان است. صلح؛ امنیت، ثبات و هم‌گرایی به بار می‌آورد. صلح سبب توسعه و پیش‌رفت می‌شود. با آمدن صلح حاکمیت قانون و مردم‌سالاری راه باز می‌کند.
صلح زمینه را برای نقد و پلور ایسم هموار می‌سازد. صلح فرهنگ شهروندی و ملت‌باوری را گسترش می‌دهد. صلح پنجره روشنی به روی دولت معاصر و ملی می‌گشاید. صلح عدالت‌زا است و جنایت‌کاران را به کیفر می‌رساند. از این‌رو صلح و طالبان دو مفهوم متضاد است. سوگ‌مندانه باید بگوییم که در این تضاد طالبان تنها نیستند.

فکری «بشری» و منابع اقتصادی برای تأمین رزمنده‌گان راه اسلام سیاسی است. این سیاست راه را برای تأمینات جنگی سنگرهای طالبان از طریق جلب منابع حمایتی دولت‌های خلیج و شیخ‌های هم‌باور با طالبان، قاچاق مواد مخدر و هم‌گرایی با مافیای منطقه فراهم می‌سازد. در یک گوشه این سیاست جنگ و در گوشه دیگر آن اقتصاد سیاه پنهان است. این دو متغییر معجونی را به‌نام سیاست طالبانیسم شکل داده است. زمانی که طالبان در قدرت قرار داشتند و زمانی که در برون از قدرت قرار گرفتند، از این سیاست بهره فراوان بردند و آن‌را ترویج کردند. پوشیده نیست که برای نضج‌گیری این سیاست طالبان توانستند به خوبی از سیاسیون و دانشمندان علوم سیاسی در محیط اسلامیسم سیاسی از سایر کشورها نیز استفاده جویند. سیاست‌مداران طالبان گروهی از چهره‌های درس‌خوانده در کشورهای خلیج، پاکستان، غرب و حتا روسیه هستند. این گروه که از اسلام تندروانه، قیای «مقدس» به تن کرده است، چندان به ارزش‌ها و قواعد اسلامی پابند نیست. در میان این گروه حتا چهره‌های که پیشینه افکار چپی و کمونیستی داشته‌اند نیز دیده می‌شوند. واقعیت این است که این گروه با استفاده از تجارب سیاسی که از سایر نقاط جهان در راستای اسلام‌گرایی دارد، این قیای مقدس را به تن و شعار طالبانیسم را در سطح منطقه و جهان ترویج می‌کند. اعضای این گروه در مذاکرات مسکو با ریش‌های بلند، لباس‌های سفید، واسکت‌های سیاه و دستارهای سیاه و سفید ظاهر شدند که نمادی از فکر سنتی و معجونی از پیشینه قومی و تباری این گروه را به رخ رسانه‌های جهانی می‌کشید. طالبان ساختارهای معاصر دولت‌های ملی را به رسمیت نمی‌شناسند. این گروه بر ساختار سیاسی امارت اسلامی متکی است که دولت اسلامی مطلق‌گرا، اسلامی و ایدئولوژیک معنا می‌دهد. این روش سیاسی طالبان با فرهنگ سیاسی دولت‌های دین‌باور قبل از روشن‌گری اروپایی شباهت دارد. در این سیستم رهبری دولت به خلافت گروهی رهبران دینی قرار دارد. رهبر این گروه بر تمام امور حاکم است و دولت مکانیسمی برای پیروی از احکام این گروه است. جایگاه شهروندان در امارت اسلامی به «قاطبه‌عام» تبدیل می‌شود که در تحت نهی و منکر احکام رهبران این گروه شهروندان مجبور به تحمل هرگونه مشقت می‌شوند. امارت اسلامی طالبان به مفهوم دقیق آن یک نظام تیوکراسی را به نمایش می‌گذارد که برخلاف تمام آموزه‌های دولت‌های معاصر و ملی و نظام جمهوریت عمل می‌کند.

ناسیونالیسم طالبانی

طالبان از ناسیونالیسم و اسلام‌گرایی عرب‌ها درس‌های زیادی آموخته‌اند. عرب‌ها برای گسترش اسلام سیاسی نخست اسلام را به هویت عربی تبدیل کردند. آن‌گاه که اسلامیسم و یان عربیسم درهم جا افتاد، دست به ترویج اسلام در سایر نقاط جهان زدند. طالبان ناسیونالیسم را با استقلالیت سیاسی پیوند زدند و ندای «شغال» افغانستان را به وسیله امریکا بالا گرفتند. طالبان از واژه اشغال به خوبی استفاده سیاسی می‌کنند. این استفاده‌جویی زمینه هم‌کاری طالبان را با دولت‌های روسیه، ایران و حتا چین بیش‌تر می‌سازد. ناسیونالیسم طالبانی با «فغانیزه» کردن جهان برای آزادی پیوند تنگاتنگ استراتژیک دارد. در حالی که روس‌ها سال‌های دراز در زیر چتر اتحاد شوروی علیه آن جنگیدند و هزاران کشته دادند. ایران نیز به خوبی از این شعار طالبان سود می‌جوید. جنگ طالبان علیه اشغال امریکا در افغانستان، منافع ایران را در منطقه تمثیل می‌کند. این در حالی است که طالبان از دید ساختار اسلام سیاسی با ایرانی‌ها هم‌گرایی دارند و اما از دید فکری و مذهبی هیچ وجه مشترکی با ایران و ولایت فقیه ندارند. طالبان به خوبی می‌دانند که ناسیونالیسم افغانی راه را برای حمایت منطقه‌ای آن‌ها بازتر می‌کند. پاکستان، ایران و روسیه از این شعار به صورت گسترده سود می‌جویند. از سوی دیگر نابسامانی‌های قومی که به صورت بی‌پیشینه‌ای در افغانستان رو به گسترش است، ناسیونالیسم طالبانی را تقویت کرده است. ظهور جنبش طالبانی پاکستان زمینه‌ای شد برای ارجحیت‌بخشی فکر طالبانیسم نسبت به ناسیونالیسم؛ اما به‌زودی این هم‌گرایی به هم خورد. چنان‌که طالبان افغانستان خود را به ناسیونالیسم و اسلامیسم افغانی پیوند می‌زنند و حتا از تضادهای جدی بین این دو گروه که منشا آن ناسیونالیسم است، گفته‌هایی وجود دارد.

قوم‌گرایی طالبانیسم

طالبان در نخستین روزهای ایجاد خود روی‌کرد قوم‌گرایانه پیشه کردند. واقعیت این است که اکثریت

سیاه

رهبران طالبان از قوم پشتون هستند. محل انتشار و فکر حاکم بر آن نیز از قوم پشتون می‌آید. ادبیات سیاسی این گروه از زبان پشتو به عنوان زبان منبع استفاده می‌کند. در این اواخر برخی از استادان دانشگاه‌ها نیز که تنها به زبان پشتو سخن می‌گویند، به سخن‌گویان اصلی این نهاد تبدیل شده‌اند. آن‌ها در رسانه‌ها پیام می‌دهند و از طالبان نماینده‌گی می‌کنند. در این جمع به ندرت شخصیت‌های مطرح از سایر گروه‌های اجتماعی افغانستان دیده شده است. چند نفر محدودی که گاه‌گاهی در رسانه‌ها از سایر اقوام دیده می‌شوند، شخصیت‌های نمادین و بی‌صلاحیتی بیش نیستند. اما این گروه به هیچ صورتی نماینده قوم پشتون نیست. یک گروه زمانی می‌تواند از یک قوم خاص نماینده‌گی کند که مشروعیت اجتماعی همان قوم و یا گروه اجتماعی را با خود داشته باشد. این در حالی است که طالبان مشروعیت اجتماعی قوم پشتون را با خود ندارند. در میان پشتون‌های افغانستان سیاست‌مداران، تکنوکرات‌ها، نویسنده‌گان، هنرمندان، روشن‌فکران، منتقدین، فعالان مدنی، مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان بی‌شماری هستند که در برابر طالبانیسم می‌ایستند و مبارزه می‌کنند. کمیت این گروه در داخل و خارج افغانستان فراوان است. واضح است که نبود برنامه‌های مفید اجتماعی از سوی دولت سبب شده است که اقوام افغانستان بیش از هر زمان دیگر به جزیره‌های از هم گسسته و گسیخته تبدیل شده‌اند. این تجرید و انحطاط سبب شده است که گروه‌های اجتماعی در وجود حلقه‌های سیاسی منسجم شوند. در میان این گروه‌ها، برخی از «روشن‌فکران» و چیزفهم‌ها نیز در حلقه های قومی چسپیده و خود را در زیر چتر رهبران قومی، تباری، مذهبی و منطقه‌ای مصون احساس می‌کنند. اما این بدان معنا نیست که گروه‌های قومی سیاسی، از جمله طالبان مشروعیت اجتماعی قومی را تمثیل می‌کنند. یکی از دلایلی که طالبانیسم را به یک قوم خاص هم‌فکر می‌انند، نبود یک گفتمان ارزشمند شهروندی در افغانستان است. این نبود سبب شده است که جایگاه شهروندمحموری در سیاست‌گذاری‌های گروه‌های سیاسی ناپدید شود.

دیپلماسی طالبان

چنانی‌که در بالا گفته شد، طالبان در کل از لحاظ فکری می‌توانند منافع غرب و شرق را در افغانستان و منطقه تمثیل کنند. غرب و شرق به خوبی توانسته‌اند از اسلامیسم به عنوان یک ابزار استراتژیک سود جویند. جنگ سرد نشان داد که چگونه می‌توان این گروه‌های سرگردان و فقیر را به سازمان‌های خطرناک و پول‌دار تبدیل کرد. از سویی هم حوادث پس از یازده سپتامیر ۲۰۰۱ نشان‌گر آن است که گروه‌های اسلامیست پتانسیل این را دارند که در تاکتیک‌های کلان نقش بازی کنند و هم‌پیمانان استخباراتی در سطح جهان باشند. روسیه نیز در این راستا آرام نهنشست و توانست از اسلام سیاسی استفاده فراوانی برد. تصادفی نیست که پوتین قهرمان کشورهای در حال بحران و جنگ در خاورمیانه به حساب می‌آید. رهبران فکری طالبان از این حوادث درس‌های فراوانی آموخته‌اند و حالا ظرفیت گفت‌وگو و مذاکره را به دست آورده‌اند. هیات‌های مذاکره‌کننده طالبان در مسکو، تهران و دوحه بهتر از هرکسی درخشیدند. طالبان با اجندا و پیام خاصی در این نشست‌ها سخن گفتند و توانستند دیپلماسی خوبی را نسبت به دولت افغانستان به نمایش بگذارند. مذاکرات طالبان با امریکایی‌ها به هماهنگی زلمی خلیل‌زاد نیز قابل تأمل است. این مذاکرات که بیش‌تر از ده دور طول کشید، با مواضع آشکار و جدی طالبان هم‌راه بود. طالبان در این مدت از یک گروه هراس‌افکن به نهاد قابل گفت‌وگو با جامعه جهانی تبدیل شدند. در سطحی که رییس جمهور مقتدرترین قدرت جهانی در حدود نیم‌ساعت با معاون سیاسی این گروه از طریق ویدیوکنفرانس مذاکره کرد. در این نشست نیز رهبران سیاسی طالبان موضع مشخص و جدی خود را به نمایش گذاشتند. امضای پیمان مشترک با امریکا، بزرگ‌ترین پیروزی این نهاد در سطح جهانی به شمار می‌رود. این در حالی است که دیپلماسی دولت افغانستان در این مدت هیچ دست‌آورد مهمی را برای تعیین آجندا و نقشه راه در جهت صلح به نمایش نگذاشته است. رهایی نزدیک به ۴۵۰۰ جنگ‌جوی طالبان از زندان‌های دولت افغانستان می‌تواند یکی از کلان‌ترین حادثه و عجیب‌ترین روی‌کرد در فرآیند حاکمیت قانون در سطح جهان به حساب آید. این مقاله قبل از لویه‌جرگه برای رهایی چهارصد طالب نوشته شده است. نویسنده به این باور است که لویه‌جرگه بهانه و مکانیسمی برای رهایی این گروه خطرناک است و طالبانیسم را در اوج قدرت تعریف می‌کند.۱ این گروه بزرگ بدون رعایت ابتدایی‌ترین اصل حاکمیت قانون که به‌نام «جریان عدالت» شهرت دارد، رها شدند. این حادثه عجیب در اثر فشار امریکا بر دولت افغانستان اتفاق افتاد که منبع آن‌را دیپلماسی طالبانیسم می‌سازد.

ادامه در صفحه ۹

- فرهنگ واژه‌های سیاسی، نشر اکانومیکس ۲۰۱۴.
- ژورنال علوم سیاسی، دانشگاه لوئگ سویدن، سال ۲۰۱۷، شماره ۱۳۷.
- فرهنگ علوم سیاسی، برگردان علی آقابخشی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۲.

«چهل دختران»؛ بارقه امید در تجارت کوچک زنان



هما همتا

مزار شریف فراهم کند و روی همین هدف کافه وومین هوس با چهل دختران هم‌کاری دارد. به گفته خانم خیری، کسانی که به کافه می‌آیند، از تولیدات چهل دختران استقبال می‌کنند و گاهی هم از این تولیدات خریداری می‌کنند.

گروه چهل دختران پس از فعالیت‌هایی که داشته است، راهش را به سمت جشنواره‌ها باز می‌کند. یکی از جشنواره‌هایی که این گروه در آن اشتراک داشته، جشنواره هنری «کیش» است که دو سال پیش در کشور ایران برگزار شد. تولیداتی که چهل دختران در این جشنواره به نمایش گذاشت، مکان‌های تاریخی افغانستان، از جمله بودای بامیان در قالب گلدوزی فانتزی بود. طاهره، جشنواره کیش را فرصت خوبی برای معرفی هنرهای دستی زنان افغانستان عنوان می‌کند. او می‌گوید، وقتی مهاجران افغان مقیم در ایران به جشنواره می‌آمدند، آنان را تشویق می‌کردند و از این که یک گروه از دختران افغان به این جشنواره دعوت شده بود، بسیار خوشحال بودند. چهل دختران با دنیایی از انرژی مثبت به کشور بر می‌گردد و تلاش می‌کند تا فعالیت‌هایش را وسعت دهد.

چهل دختران مکان‌های فرهنگی را برای نمایش تولیداتش انتخاب می‌کند. در کابل نیز کافه‌ها میزبان تولیدات این گروه است. چهل دختران به دنبال گسترش فعالیت‌هایش، در حال حاضر می‌تواند سفارش‌هایی را از سایر ولایت‌ها نیز بپذیرد. صدف ۱۸ سال دارد و فارغ صنف دوازدهم مکتب است. او از طریق صفحات اجتماعی با چهل دختران آشنا شده است. می‌گوید که علاقه بسیاری به هنرهای دستی داشت؛ اما هیچ‌گاهی زمینه یادگیری برایش فراهم نشده بود، تا این که صفحه چهل دختران را دید و دانست که این گروه زمینه آموزش را فراهم کرده است. همانند صدف، دختران دیگری نیز هستند که با فراهم‌شدن این زمینه، هنرهای دستی را آموزش دیده‌اند و حالا در همین مجموعه مشغول کار هستند. طاهره می‌گوید که با چالش‌های زیادی مبارزه کرده است تا بتواند چهل دختران را روی پا نگاه دارد. به گفته او، بسیاری از جوانان هستند که ایده‌های بسیار خوبی برای کسب‌وکار دارند؛ اما به دلیل نداشتن سرمایه کافی هیچ‌گاهی این ایده‌ها را عملی نمی‌توانند. طاهره مانند هزاران جوان این سرزمین، نگران آینده است و نمی‌تواند افغانستانی را تصور کند که طالبان در آن حضور داشته باشد و دوباره زنان به حاشیه رانده شوند.

گروه چهل دختران تابلوهای تزیینی تولید می‌کند. تابلوهایی که تماماً کار دست است. نقش‌هایی که روی این تابلوها دوخته می‌شود، گلدوزی فانتزی است. این گلدوزی تلفیقی از گلدوزی سنتی با طرح‌های مدرن است. طاهره با ابتدایی‌ترین امکانات، کار تولیدات چهل دختران را شروع و با فراهم‌کردن مواد اولیه برای شماری از زنان، آن‌ها را در صنایع آموزشی چهل دختران جذب می‌کند. برای خانم‌هایی که صنایع آموزشی این گروه را سپری می‌کنند، زمینه شغل نیز مساعد می‌شود و این خانم‌ها در گروه تولید همین مجموعه جذب می‌شوند. اعضای گروه تولید چهل دختران در واقع خانم‌های خانه‌دار و دختران دانشجو هستند.

اجتماعی، تولیدات این گروه در یک دکان در منطقه کارته وحدت موجود است. هم‌چنین کافه «وومین هوس» مکان دیگری است که چهل دختران تولیداتش را در آن‌جا به نمایش می‌گذارد. در کنار آن، متقاضیانی که می‌خواهند گلدوزی فانتزی را یاد بگیرند نیز در همین‌جا آموزش می‌بینند.

در طی سال‌های اخیر، زنان همواره در تلاش بودند تا به استقلال مالی برسند و مستقل شوند. نتیجه این تلاش‌ها زنان شاغلی هستند که یا در نهادهای خصوصی و دولتی کار می‌کنند و یا هم تجارت‌های کوچک خودشان را دارند. حسینه خیری، مسول کافه وومین هوس است. او نیز مانند طاهره همواره اندیشه دست‌وپا کردن یک شغل و یک منبع درآمد را در سر داشته است. نتیجه این کار، کافه «وومین هوس» است. خانم خیری می‌گوید که در تلاش است تا زمینه هم‌کاری دو جانبه را برای خانم‌های شاغل در شهر



در سال ۲۰۱۸ فعالیت‌های گروه چهل دختران را به هدف نشان‌دادن اتحاد زنان در صنایع دستی کلید می‌زند. طاهره به دنبال نشان‌دادن تأثیر هنر بر روح و روان انسان‌ها و مخصوصاً خانم‌های خانه است که انگشتان‌شان با انواع مختلف هنر آشنا است. او از جهان رنگین‌کمانی حرف می‌زند که بافت تارها با پارچه خلق می‌کند؛ جهانی که سراسر از رنگ است و زیبایی.

گروه چهل دختران تابلوهای تزیینی تولید می‌کند. تابلوهایی که تماماً کار دست است. نقش‌هایی که روی این تابلوها دوخته می‌شود، گلدوزی فانتزی است. این گلدوزی تلفیقی از گلدوزی سنتی با طرح‌های مدرن است. طاهره با ابتدایی‌ترین امکانات، کار تولیدات چهل دختران را شروع و با فراهم‌کردن مواد اولیه برای شماری از زنان، آن‌ها را در صنایع آموزشی چهل دختران جذب می‌کند. برای خانم‌هایی که صنایع آموزشی این گروه را سپری می‌کنند، زمینه شغل نیز مساعد می‌شود و این خانم‌ها در گروه تولید همین مجموعه جذب می‌شوند. اعضای گروه تولید چهل دختران در واقع خانم‌های خانه‌دار و دختران دانشجو هستند.

چهل دختران صفحات اجتماعی را برای تبلیغ انتخاب کرده است و اکثر سفارش‌ها را به صورت آنلاین دریافت می‌کند. در کنار تبلیغات در صفحات

در همه آن روزهایی که افغانستان تلاش می‌کرد تا دوباره سر پای خودش بایستد، زنان به زخم‌ها مرهم گذاشتند و به این‌جا رسیدند. در آن روزها هیچ‌کس نپرسید چگونه از پا در آمدند و چگونه دوباره سر پا ایستادند که حالا توقع دارند همه این تلاش‌های بیست ساله را در میز مذاکره به معامله بگذارند. از روزهای سخت حکومت طالبان و وضع شدن سخت‌ترین قوانین اجتماعی، مخصوصاً برای زنان که عبور کنیم، به روزهای روشنی می‌رسیم؛ روزهایی که زنان با حضور فعال‌شان در جامعه نشان دادند که هیچ حرکتی قادر به حذف آنان نیست. این اتفاق بیش‌تر در کلان‌شهرها رخ داد و زنان با سهم‌گرفتن در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، چهره دیگر به کشوری دادند که ساکنان آن سالیان زیادی حضور زنان را ننگ و شرم می‌پنداشتند. یکی از این حرکت‌ها، «چهل دختران» است.

طاهره آسا که بنیان این مجموعه را گذاشته است، ۲۱ سال دارد و دانش‌آموخته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بلخ است. او فعالیت‌های انفرادی‌اش را از سال ۲۰۱۰ با آموزش نقاشی و عکاسی شروع کرده است. در سال ورود به دانشگاه، ذهن او با اندیشه راه‌اندازی یک تجارت کوچک برای خودش درگیر است. مسیر این دغدغه به «چهل دختران» منتهی می‌شود. طاهره

از صفحه ۸

طالبان‌نیسم‌سیاه

با جنگ‌سالاران پیوند راهبردی دارد، از صلح متنفر است. بازی‌گران این گروه از ضعف حاکمیت قانون لذت می‌برند و از مزایای فساد اداری بهترین سربازان جنایت و خیانتات را تربیت می‌کنند.

رهبران دولت نیز از صلح بدشان می‌آید. صلح ارگ و سپیدار را از حیطة دو گروه حاکم برون می‌کند. با آمدن صلح شرکای قدرت بی‌شمار می‌شوند، کمر اقتدار نیم‌بند می‌شکند و همه امتیازات بین‌المللی که سرچشمه قدرت است، با طرف‌ها تقسیم می‌شود. از این‌رو رهبران ارگ و سپیدار با چهار گروه بالایی معامله و هم‌نوایی کامل و شامل دارند.

به باور من تنها یک نهاد از صلح با قیمت خون حمایت می‌کند. آن نهاد، مردم فقیر افغانستان است. می‌خواهم تأکید کنم که منظور از مردم فقیر، اکثریت باشندگان کشور اند که روزانه و بی‌هم در جنگ کشته می‌شوند. بقیه همه بازی‌گران نمایش‌نامه بازی با صلح هستند.

یادداشت: دکتر ملک ستیز، ماستری حقوق بین‌الملل، مناسبات بین‌الملل و حقوق بشر بین‌الملل و دکترای علوم سیاسی دارد. او از سال ۱۹۹۸ به این‌سو به عنوان پژوهش‌گر امور بین‌الملل و استاد دانشگاه با نهادهای بین‌المللی کار می‌کند.

دو مفهوم متضاد است. سوگ‌مندانه باید بگویم که در این تضاد طالبان تنها نیستند.

سیاسیون افغانستان نیز با صلح میانه خوبی ندارند. این گروه تا حال نتوانسته و نخواسته آجندای صلح را پیش‌کش کند. آن‌چه این گروه به‌نام صلح داد می‌زند، بازی با صلح است، نه برنامه تأمین صلح. آنان سیاست‌بازان صلح هستند که در بازی جنگ خود را حفاظت و مطرح می‌کنند و از این طریق امتیازات کلان جهانی می‌گیرند. سایر جنگ‌سالاران که قسمت زیادی از سیاست افغانستان را پر کرده‌اند، با جنگ نفس می‌کشند.

رهبران این گروه با تغییر قیافه و ژست‌های مردم‌سالارانه با صلح بازی خوبی را پیشه کرده‌اند. به باور آنان بازی با صلح پول‌ساز است. پولی که اگر از راه قانون تهیه شود، شاید ده‌ها سال به درازا کشد؛ اما با ادامه جنگ همیشه، فراوان و میسر است. آمدن صلح خاک بر سر رهبرانی که به نام قوم و مذهب فربه می‌شوند، خواهد ریخت. جنگ، شهروندان فقیر را به دور این گروه‌ها بسیج کرده‌اند؛ زیرا در وجود دولت بی‌پایه و ضعیف یگانه‌چتر مصون همین‌ها هستند. مافیای اقتصادی که از دوران سیاه سرمایه‌انستیتوت ساختارمند فساد را در افغانستان ساخته است، برنده مهم ادامه جنگ است. این گروه که

که طالبان جنگ‌جویان ماهری هستند. آنان می‌دانند که صلح را با شمشیر می‌توانند به دست آورند و به باور آن‌ها صلح را نمی‌توان با صلح به دست آورد. از این‌رو هم‌زمان با شعار صلح، پیچیده‌ترین عملیات‌های جنگی را راه می‌اندازند. تعریف صلح برای طالبان ایجاد امارت اسلامی است. طالبان به صلحی که جهان امروز آن‌را تعریف می‌کند، باور ندارند. طالبان صلح را از دید فقه‌های اسلامی و تاریخ جنگ‌های خلفای راشدین می‌شناسند. این کار سبب می‌شود که روند صلح و مذاکره برای آن‌را بسیار پیچیده سازد.

نتیجه‌گیری

طالبان به خوبی می‌دانند که صلح فراگیر و پایتاب به ضرر آن‌ها است. جنگ منبع اصلی پیدایش و حضور طالبان است. صلح؛ امنیت، ثبات و هم‌گرایی به بار می‌آورد. صلح سبب توسعه و پیش‌رفت می‌شود. با آمدن صلح حاکمیت قانون و مردم‌سالاری راه باز می‌کند. صلح زمینه را برای نقد و پلورالیسم هموار می‌سازد. صلح فرهنگ شهروندی و ملت‌باوری را گسترش می‌دهد. صلح پنجره روشنی به روی دولت معاصر و ملی می‌گشاید. صلح عدالت‌زا است و جنایت‌کاران را به کیفر می‌رساند. از این‌رو صلح و طالبان

صلح طالبانی

در فرآیند صلح، امنیت و عدالت اجتماعی پیش‌زمینه اساسی به شمار می‌رود. صلح بدون پیش‌فرض حقوق بشر به آرامش «پریشان» می‌ماند که هر آن خواب‌های مرگ‌آلود، شکنجه روحی و اذیت وجدانی را در پی دارد. صلح طالبان با این روش هم‌گام است. طالبان به خوبی می‌دانند که صلح عادلانه نمی‌تواند اراده و استراتژی آن‌ها را در جامعه تمثیل و تطبیق کند. آزادی‌های شهروندی در ذات و جوهر خود با طالبان‌نیسم در تضاد است. از این‌رو صلح از راه تحقیر اجتماعی، اهانت شهروندی، نادیده‌گرفتن ارزش‌های هم‌سانی جنسیتی، به‌ویژه نقش زنان از برنامه‌های صلح‌پروری طالبان است. واقعیت این است که طالبان امروز با طالبان بیست‌سال پیش فرق دارند. اما این تفاوت در استراتژی طالبان دیده نمی‌شود و تنها جنبه‌های تاکتیکی دارد. چنان‌که در آغاز این مقاله آمده است، ایدیولوژی طالبان اسلام‌نیسم سیاسی از طریق مداخله در امور زندگی باشندگان رژیم تحت رهبری آن است. این روش طالبان هیچ فرقی نکرده است. اما در تطبیق این ایدیولوژی طالبان دگرگونی‌های تاکتیکی را به کار خواهند برد که به هیچ صورتی با بازی‌گران بین‌المللی آن در تضاد نخواهد بود. طالبان برای رسیدن به قدرت سیاسی، صلح را شعار می‌دهند. اما واقعیت این است

دبیر بخش ویدیو: خیرنگاران:

ویراستاران: صفحہ آرایبی: پذیرش اعلان: نشانی پستی: نشانی دفتر کابل: ۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



sanjarsohail@yahoo.com
mujib_mehrdad@yahoo.com
8am.daily@gmail.com
سنجر سهیل
مجیب مهرداد
خلیل آرایبی
حسین بهش
علی شاه حقمیل
آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

صاحب امتیاز: مدیرمسئول: سردبیر: دبیر گزارش‌ها: دبیر بخش خبر: دبیر بخش صلح: دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

محمدنصیر کاوشگر
عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز
علی نظری، اسحق علی احساس
رضا مرادی
Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
تایمنی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

گزارش گران بدون مرز: حدود ۴۰۰ خبرنگار در سراسر جهان زندانی هستند

مستقل درباره این بحران و پیآمدهای آن شوند. بیش از ۳۷۰ مورد بازداشت اغلب کوتاهمدت خبرنگاران، از زمان برگزاری انتخابات پرحاشیه و جنجالی بلاروس در این کشور رخ داده است

کاتیا گلوگر، سخنگوی هیأت مدیره سازمان گزارشگران بدون مرز گفته است که شمار بالای خبرنگاران بازداشتی در سراسر جهان «توجه جدی را به مخاطرات فعلی آزادی رسانهها معطوف می‌کند»

به گفته او بسیاری از دولت‌ها در جهان در واکنش به اعتراضات، شکایات یا بحران‌هایی نظیر همه‌گیری کرونا از کسانی که تنها حامل و پیام‌آورنده اخبار منفی بوده‌اند، انتقام گرفته‌اند.

آمارهای سازمان گزارشگران بدون مرز نشان می‌دهد در سه سال اخیر شمار روزنامه‌نگاران زندانی در جهان رو به افزایش بوده است

به گزارش دویچه ویله فارسی، از میان خبرنگارانی که در سال ۲۰۲۰ بازداشت شده‌اند، ۴۲ تن زن هستند که این عدد حکایت از افزایش ۳۵ درصدی نسبت به سال گذشته میلادی دارد. ایران و بلاروس دو کشوری هستند که بیشترین تعداد روزنامه‌نگاران زن را در سال جاری میلادی بازداشت کرده‌اند. این سازمان گفته تا روز اول دسامبر ۲۰۲۰ پنج خبرنگار در جهان در معرض خطر جدی اجرای حکم اعدام خود قرار داشته‌اند. یکی از این خبرنگاران روح‌الله زم بوده است که مقامات جمهوری اسلامی روز ۲۲ قوس (۱۲ دسامبر) حکم اعدام او را به اجرا گذاشتند.



سازمان گزارشگران بدون مرز روز دوشنبه ۱۴ دسامبر (۲۴ قوس) با انتشار بخش نخست گزارش سالیانه خود اعلام کرد در حال حاضر دستکم ۳۸۷ خبرنگار زن و مرد در سراسر جهان زندانی هستند.

به گزارش دویچه ویله فارسی، گزارش سالانه گزارشگران بدون مرز امسال در دو بخش ارائه شده است. بخش نخست که داده‌های آن تا روز اول دسامبر (۱۱ قوس) را شامل می‌شود، به خبرنگاران زندانی، ربوده یا مفقودشده پرداخته

است. بخش دوم گزارش که قرار است چند روز پیش از آغاز سال نوی میلادی منتشر شود، آماري در رابطه با خبرنگاران جان‌باخته در سال ۲۰۲۰ را ارائه خواهد کرد.

سازمان گزارشگران بدون مرز در گزارش خود اعلام کرده که پنج کشور جهان بیش از نیمی از خبرنگاران بازداشتی را در خود جای داده‌اند. این کشورها به ترتیب چین، عربستان سعودی، مصر، ویتنام و سوریه نام برده شده‌اند. در چین ۱۱۷ روزنامه‌نگار، در عربستان ۳۴، در مصر ۳۰، در ویتنام ۲۸ و در سوریه ۲۷ خبرنگار در سال جاری میلادی زندانی شده‌اند.

در سال جاری میلادی ۵۴ روزنامه‌نگار نیز ربوده و ۴ تن ناپدید شده‌اند.

گزارشگران بدون مرز در گزارش خود آورده بیش از ۱۳۰ روزنامه‌نگار از بهار سال ۲۰۲۰، به دلیل گزارش‌دهی در مورد بحران همه‌گیری کرونا به طور خودسرانه بازداشت شده‌اند.

به گزارش دویچه ویله فارسی، این بازداشت‌ها در برخی موارد چندین ساعته یا چندین روزه بوده و در موارد دیگر

روزنامه‌نگاران چندین هفته در حبس نگه داشته شده‌اند. به گفته گزارشگران بدون مرز در حال حاضر دستکم ۱۴ روزنامه‌نگار در جهان به دلیل گزارش‌هایشان در مورد کرونا در بازداشت به سر می‌برند.

این سازمان برای نمونه از هوپهول چینونو، خبرنگار زیمبابوای، نام برده که درباره فروش داروهای کووید ۱۹ به قیمت گزاف توسط دولت این کشور تحقیقاتی را انجام داده است. این خبرنگار به شیوه خشونت‌آمیزی در منزلش بازداشت شد و از یک ماه و نیم پیش در زندان بسر می‌برد. تقاضا برای آزادی این روزنامه‌نگار به قید وثیقه تاکنون چندین بار از سوی مقامات قضایی زیمبابوه رد شده است.

در ایران محمد مسعود، روزنامه‌نگار، نیز سال ۹۸ در ابتدای شروع همه‌گیری کووید ۱۹ در ایران، از جمله به دلیل گزارش در زمینه عمل‌کرد ضعیف دولت در مقابله با این بیماری بازداشت شد.

به گفته گزارشگران بدون مرز بسیاری از دولت‌ها از ابتدای همه‌گیری تلاش کرده‌اند تا مانع از اطلاع‌رسانی

دونالد ترامپ با واکسیناسیون زودهنگام کارکنان کاخ سفید مخالفت کرد

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با برنامه واکسیناسیون زودهنگام کارکنان کاخ سفید و مقامات این کشور را که قرار بود در روزهای آتی انجام شود، مخالفت کرد.

پیش‌تر و بنا بر اعلام رسمی، خبر داده شده بود که برخی مقامات عالی‌رتبه دولت و کاخ سفید در میان اولین کسانی هستند که واکسن ساخته شده توسط شرکت فایزر برای ویروس کووید-۱۹ را دریافت می‌کنند.

اما آقای ترامپ در حال حاضر خواستار «تجدیدنظر» در این برنامه شده است.

واکسن ساخت فایزر/ایبوتک بیش از ۹۵ درصد در مقابل ویروس کرونا بدن افراد را ایمن می‌کند، این واکسن روز جمعه از سوی آمریکا مجوز استفاده عمومی دریافت کرد.

اولین محموله ۳ میلیون دوزی این واکسن در حال حاضر به ۵۰ ایالت آمریکا برای شروع واکسیناسیون ارسال شده است. اولین محموله روز یکشنبه از انبار مخصوصی در میشیگان حرکت کرد و کارکنان بخش بهداشت و درمان و سالمندان اولین دریافت‌کننده‌گان آن در روز دوشنبه خواهند بود.

میزان مرگ و میر ناشی از ابتلا به ویروس کرونا از ماه نوامبر در آمریکا به شدت افزایش یافته و در روز شنبه سه هزار و ۳۰۹ نفر جان خود را پس از ابتلا به کووید ۱۹ از دست دادند. تصور می‌شود که شروع واکسیناسیون موجب تغییر وضعیت در شیوع کرونا شود.

تاکنون در آمریکا بیش از ۳۰۰ هزار نفر در اثر ابتلا به این ویروس جان خود را از دست داده‌اند.

مسوولان سازمان غذا و دارو آمریکا (افدی‌ای) گفته‌اند که مجوز استفاده اضطراری واکسن فایزر که روز جمعه از سوی آنان صادر شد «یک نقطه عطف مهم» در مسیر مقابله با شیوع کرونا بوده و گزارش‌ها حاکی از آن است که مسوولان افدی‌ای از سوی دولت آقای ترامپ تحت فشار بودند تا به این واکسن هرچه سریع‌تر مجوز بدهند.

پیش از آمریکا واکسیناسیون سراسری در بریتانیا آغاز شده و این واکسن در کانادا، بحرین و عربستان سعودی نیز مجوز استفاده گرفته است.

بنابه گفته مقامات رسمی به رسانه‌ها، اولین دوزهای واکسن به کسانی که از نزدیک با آقای ترامپ در ارتباط هستند تزریق خواهد شد.

در نهایت واکسن قرار است به همه مقامات رسمی آمریکا در سه بخش کاخ سفید، کنگره و دادگاه عالی تعلق بگیرد. خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام آمریکایی گفته است که این واکسن موجب می‌شود تا آنان «بدون وقفه، کارهای اساسی» را ادامه دهند.

جان الیوت، سخنگوی مشاوران امنیت ملی آمریکا گفته است که تزریق به کارکنان کاخ سفید موجب اعتماد عمومی به این واکسن خواهد شد.

آقای ترامپ عصر روز یکشنبه در توئییتی نوشت: «کارکنان کاخ سفید نیز باید این واکسن را در ادامه واکسیناسیون دریافت کنند مگر اینکه احتیاج فوری داشته باشند».

رئیس‌جمهور آمریکا که خودش در اوایل ماه نوامبر به کرونا مبتلا شده بود در ادامه نوشته است: «قرار نیست من واکسن را دریافت کنم اما در آینده و در زمان مناسب این کار را خواهیم کرد».

در ماه‌های اخیر ده‌ها تن از کارکنان کاخ سفید به ویروس کرونا مبتلا شدند که برخی از آنان مقامات بلندپایه این مجموعه بودند.

هنوز مشخص نیست که آیا جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب و کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور منتخب و تیم کارکنان آنان نیز واکسن را دریافت خواهند کرد یا خیر.

یک نفتکش در سواحل شهر بندری جده عربستان انفجار کرد

را انجام داده و اعلام کرد که تحقیقات در جریان است. شرکت اطلاعات دریایی دریاد گلوبال نیز وقوع این انفجار را تایید کرده است. هنوز دلیل بروز این حادثه مشخص نیست.

ناوگان پنجم دریایی آمریکا مستقر در بحرین که در خاورمیانه گشت‌زنی می‌کند حاضر به اظهارنظر در این زمینه نشده است.

ماه گذشته یک نفتکش دیگر در سواحل عربستان به دلیل اصابت به ماین دریایی آسیب دید. در ماه جاری، حمله مرموزانه دیگری یک کشتی باری را در شهر بندری نیشتون یمن در شرق دور این کشور هدف قرار داد.

حادثه‌های یمن که از سوی جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌شود، در دوره جنگ با عربستان سعودی بارها از ماین‌های دریایی استفاده کرده‌اند. با این حال، گروه یاد شده که کنترل صنعا، پایتخت، را در دست دارد حاضر به پذیرش انفجار ماه گذشته نشد.

دریاد گلوبال می‌گوید اگر معلوم شود که حمله‌ها حمله روز یکشنبه را انجام داده‌اند، این بیانگر «چرخشی اساسی هم در قابلیت‌های هدف‌گیری و هم هدف‌های مورد نظر» است.

یک شرکت حمل‌ونقل روز دوشنبه ۲۴ قوس اعلام کرد که نفتکشی در بندر جده عربستان سعودی یکشنبه شب با یک شیء که «منشاء خارجی» داشته مورد اصابت قرار گرفت و دچار آتش‌سوزی شده است.

این تازه‌ترین نمونه از حمله به کشتی‌ها در جنگ طولانی‌مدت یمن است.

به نقل از رادیو فردا و به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، گروه بی دلبلیو در اطلاعیهای گفته است ۲۲ ملوان نفتکش بی دلبلیو رینه که با پرچم سنگاپور حرکت می‌کرد بدون هیچ جراحتهی نجات یافتند. این شرکت هشدار داد که ممکن است در نتیجه این انفجار، نفت به بیرون نشت کرده باشد.

عربستان سعودی هیچ گزارشی درباره این انفجار منتشر نکرده است، با این حال حمله روز دوشنبه پس از آن اتفاق می‌افتد که ماه گذشته یک ماین دریایی به نفتکشی در سواحل عربستان صدمه زد. مقامات ریاض این حمله را به حوثی‌های یمن نسبت دادند.

مرکز عملیات‌های تجارت دریایی بریتانیا که زیرنظر نیروی دریایی سلطنتی این کشور است، از کشتی‌های در حال تردد در منطقه خواسته است که احتیاط‌های لازم



بهای جهانی نفت پس از تمدید مذاکرات تجاری برگزیت افزایش یافت

قیمت جهانی نفت روز دوشنبه و در پی بالا رفتن احتمال افزایش تقاضا برای سوخت تحت تاثیر آغاز واکسیناسیون کرونا در آمریکا و تمدید مذاکرات تجاری برگزیت افزایش یافت.

به گزارش یورونیوز، بهای هر بشکه نفت پایه برنت در ابتدای معاملات روز دوشنبه به بیش از ۵۰ دلار و ۳۰ سنت رسید که بالاترین سطح از پنجم مارچ گذشته تاکنون و طی بیش از ۹ ماه گذشته به شمار می‌رود. هم‌زمان بهای هر بشکه نفت سنگین ایران نیز به بالاترین حد در ۱۰ ماه گذشته رسید و ۴۸ دلار قیمت خورد.

خوش‌بینی جهانی نفت در شرایطی است که آلمان بزرگترین اقتصاد اروپا قصد دارد محدودیت‌های کرونایی جدیدی را از روز چهارشنبه به اجرا بگذارد. افزون بر آلمان سایر قدرت‌های اقتصادی اتحادیه اروپا همچون فرانسه، ایتالیا و اسپانیا نیز هم‌چنان با شیوع پرسرعت ویروس کرونا مواجه هستند. با این حال، تحلیل‌گران بازار نفت معتقدند که خروج مذاکرات تجاری اتحادیه اروپا و بریتانیا از بن‌بست مانع از خنثی شدن امیدواری نسبت به تاثیر کوتاه‌مدت واکسیناسیون کرونا بر رونق گردشگری و افزایش تقاضای سوخت شد.

البته اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و متحدان آن موسوم به اوپک پلاس اخیراً توافق کردند که مجموع تولید روزانه خود را از ابتدای جنوری آینده ۵۰۰ هزار بشکه کاهش دهند. توافقی که احتمال دارد در نشست ۱۶ دسامبر کمیته نظارتی و جلسه چهارم جنوری اوپک پلاس زمینه‌بازبینی آن فراهم شود.